



سال دوم - شماره ۷۵ - شنبه ۳۰ خرداد ۶۰ - بهای ۱۵ ریال

- بایگانه توده‌ای!! حزب جمهوری اسلامی ..... صفحه ۱۴
- شعار نویسی بایمب ..... صفحه ۱۷
- تکرار حماسه های سرخ زندانیان کمونیست در زندانهای
- رژیم جمهوری اسلامی ..... صفحه ۱۹
- تبلیغ علی در شیراز و زبونی باسداران سرمایه ..... صفحه ۲
- بخش و فروش در شبه بازار اتزلی ..... صفحه ۲

# اوضاع کنونی و مبلغین آگاهی سرخ

رفقا! ما نگونه که خودشان در جریان نما نکل اخیر ما نمعه هستند در پیا مد شکست اشتراکات لیبرالها و حزبها شرا بطویزه ای بر ما نمعه کم است که در سر مقاله همین شماره کوشیده ایم این اوضاع را ترسیم نموده و سر غور د بقیه در صفحه ۸

**امپریالیسم - سرمایه داری وابسته**  
آموزش سیاسی  
صفحه ۹

**ضرورت کار تشکیلاتی**  
(آموزش تشکیلاتی)  
صفحه ۱۵

## کلمه و مقاله

### آرایش سیاسی نوین و تاکتیک کمونیستها

آنچه در طول روزهای اخیر پیش آمده، در واقع تبارزات آشکارتری از جریان‌های است که از ما هم پیش‌آغا زنده است. کنار آمدن سنگریه سنگر لیبر - الها از مواضع قدرت درتها - جم اخیر حزب جمهوری اسلامی، در ادامه منطقی حدت یا بی تضاد بین دو جناح ارتجاعی درون حاکمیت در دوره جدید دعوی درون ضد انقلاب حاکم میا شد.

اگر تا مدت‌ها لیبرالها و حز - بیهارا علمبرغم انتقاد نشان بیکدیگر و چانه زدن‌ها نشان برای تغییراتی در اینها آسیا - ست در کنار یکدیگر میا فتم بقیه در صفحه ۲



**مواسم باشکوه جشن پایان سال تحصیلی به نظاهرات خیابانی انجام مید**  
صفحه ۲۰

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

حربانات اخیر نشانه‌های برجسته تری از دورانی است که از چندین ماه پیش آغاز شده و در مناسبات بین این دو نیروی بورژوازی و ارتجاعی فعل جدیدی را آغاز کرده است.

با سخگویی به آنچه اکنون در جا معما میگردد و تعیین تاکتیکهای صحیح پیش از هر چیز محتاج برتری این "شرایط جدید" و مناسبات جدید بین لیبرالها و حزبها" میباشد که گفتیم از چندین ماه پیش بدین سوچریان داشته است.

رژیم جمهوری اسلامی که با سازش با امپریالیسم و خیانت به مبارزات و قیام قهرمانان توده‌ها بر سر کار آمد، از همان ابتدا مجموعه‌ای از جناحهای مختلف بورژوازی به همراه نمایندگان از خرده بورژوازی مرفه‌نستی را با خود به همراه داشت که طبیعتاً در دل خود اختلافات معینی را حمل میکردند.

وجود جناحهای مختلف بورژوازی و خرده بورژوازی خود بسیار نگرانی در وجود در حاکمیت بود اگر چه در ابتدا در نظر بر توده‌ها چنان بنظر میرسید که مجموعه واحد و منسجمی از رهبران جنبش "به قدرت رسیده‌اند. اگر چه بزرگان از همان فردای ۲۲ بهمن در اولین نطق تلویزیونی خود به جناحهایی از رقبای خود در حکومت حملاتی کرد و بعد نیز آنرا ادامه داد اما همه تا حدی بود که هرگز خسری از تضادهای و موقعگیری‌ها و جناح بندی‌هایی شبیه آنچه مدتهاست شاهد آن هستیم نبود. بنی صدر و بهشتی در "شورای انقلاب" در کنار یکدیگر قرار داشتند و علیرغم اختلافات مشخص در سیاستها و برنامه‌ها، خبری از این دعوایها نبود. خمینی هم میکوشید تا به صورتی خود را نشان دهد که اساساً در حاکمیت هیچ نقشی ندارد و وظیفه هدایت معنوی مسردم و رژیم حاکم را به پیش می برد.

توده‌ها علیرغم ادامه مبارزات دمکراتیک و انقلابی خود در توم وسیع نسبت به ضد انقلابیون حاکم بر میگردند. هنوز به دورانی نیاز بود تا توده‌ها در تجارت زور - انه خود با هیات حاکمه درگیر شوند و

## آرایش سیاسی نوین و تاکتیک کمونیستهای

انقلاب اوچ بیشتری بگیرد.

تداوم و تعمیق بحرانی که تمام سیستم بوسیده سرما به داری وابسته را فرا گرفته بود، اوچگیری مبارزات توده‌ها و ویرانی هر چه بیشتر دیوار توم مردم، عوام مال مهمی بودند که شکافهای عینی موجود در درون حاکمیت را گسترده و شروع بران ترمی ساخت.

در همین رابطه رفته رفته این تضادهای

### رفقا!

با توجه به ویژگی دوره اخیر، تهاجم افکار گسیخته حزب جمهوری اسلامی بر علیه زادیهای دمکراتیک عوام فریبی لیبرالها و برای افتادن یک سلسله اعتراضات توده‌ای - انقلابی امر تبلیغ برای بالا کشاندن توده‌ها تا سطح دمکراتیک پیگیر از درجه اهمیت بالایی برخوردار است از آنجا که مطبوعات ارتجاعی کلاً تحریم شده‌اند، ضمن انتشار و پخش اخبار مبارزاتی زحمتکشان منطقه خود به روشی ممکن، برای انعکاس گسترده و وسیع آن، و همچنین چگونگی پیشبرد امر تبلیغ در میان زحمتکشان، در اسرع وقت و هر چه سریعتر و فوری تر اخبار مبارزاتی و گزارشات کار تبلیغی توده‌ای (بحثهای خیابانی - سخنرانی - ... ) خود را برای ما ارسال دارید.

تاکید میکنیم رفقا! امر تبلیغ و انعکاس اخبار جنبش در دوره اخیر، ویژگی و برجستگی خاصی میباید برای انعکاس آن در لنگان مرکزی میتواند تجارت و اطلاعات بسیاری را در اختیار سایر رفقا قرار دهد.

با ایمان به پیروزی راهمان!

هیات تحریریه ۱۳ آبان ۱۳۵۷

آنکارا رتر میگشت و کشا کش درون حاکمیت بیشتر و بیشتر در طول چشم توده‌ها به نمایش گذاشته می شد. جناحهای اصلی بورژوازی یعنی حزبها و لیبرالها در هیات حاکمه بر سر تا مین هژمونی خود مبارزه و کشا کشی اوچگیرنده را دنبال میکردند. سرانجام حزب جمهوری اسلامی با در دست گرفتن مجلس اولین میح محکم تا مین هژمونی خود در قدرت را به زمین میکوبد. با در دست گرفتن شورای نگهبان و شورای عالی قضایی و سپس کابینه راجایی هژمونی همه جا تبه حزب جمهوری در قدرت حاکمه تثبیت میگردد. روشن است که با کسب هژمونی "حزبها" در هیات حاکمه، لیبرالها موضع انتقادی بیشتری نسبت به برنامه‌ها و سیاستهایی که در پیش گرفته میشوند داشته و هر چه این هژمونی بیشتر میشود، این دعوایها و انتقادهای گسترش بیشتری می یافت و کلاً بین لیبرالها و حزبها یک سیاست "همکاری - مبارزه" به پیش میرفت. آنچه در شما م این دوره و در این سیاست "همکاری - مبارزه" نقش اصلی و برجسته را ایفا می نمود علیه جنبه "همکاری" و "وحدت" برجسته "تفاد" و "مبارزه" بود. لیبرالها علیرغم انتقاداتی به این یا آن و با کمال طرحها در تدریج این طرحها مشارکت می کردند. آنها همگاری با حزبها برای تدوین سیاست در رابطه با بازاری سیستم، سرکوب جنبش و... را تحریم نکرده بلکه با مشارکت در آن امتیازاتی بسود خود کسب میکردند.

حزب جمهوری اسلامی نیز خواهان رابطه ای بهمین صورت بود. حزب جمهوری که هژمونی خود در تدوین سیاستها را بخوبی میدید، در تدوین برنامه‌ها رعایت "عادل اسلامی" را هم میکرد و جایی برای لیبرالها بازمیگذاشت تا عمده بودن جنبه وحدت بیوتفا حفظ شود.

لیبرالها در همان حال که (همانطور که گفتیم) بر حفظ وحدت پای می فشردند، رفته رفته می کوشیدند تا با "پوزسیون نمایشی" به کسب جایگاه در بین توده‌ها بپردازند. حدت بحران و جنبش توده‌ای، ایستادن حرکت را سرانجام به نقطه عطفی رسانید.

## مقابله با تعرض ضد انقلابی هیات حاکمه جمهوری اسلامی ("حزب

# آرایش سیاسی نوین و تاکتیک کمونیسته‌ها

هر نیرویی در اپوزیسیون که بتواند نظریات خود را بیشتر و به نحو وسیع‌تری در سراسر توده‌ها تبلیغ کند، امکان بیشتری برای کسب رهبری جنبش توده‌ای یافته است. هر چه کمونیست‌ها بیشتر بتوانند به توده‌ها ضمن افشای ماهیت هیات حاکمه نشان دهند که برای خلاصی از چنین بحران، فشار، اختناق و... تنها راه علاج در هم شکستن دستگاه دولتی و نیز مناسبات اقتصادی - اجتماعی حاکم میباید، طبیعتاً امکان بیشتری برای کسب رهبری جنبش توده‌ای خواهند داشت. همین‌طور نیروهای دمکرات تا بی‌گیری و نیز نیروهای ارتجاعی که در اپوزیسیون قرار دارند، بنا بر این می‌بینیم که لیبرال‌ها با قرار گرفتن در مقابل اپوزیسیون (به عنوان یک نیروی بیان، سخنرانی، راه‌پیمایی و...) برای خود می‌پردازند.

بدین‌گونه در بین نزاع‌های درون حاکمیت، این مسئله به مسئله اصلی مسوودت مطرح تبدیل می‌شود.

گفتیم که با حرکت حزب جمهوری اسلامی برای پیشبرد کامل سیاست خود و شکست دادن ائتلاف سیاسی بین ایندو جناح بورژوازی که تنها پایه‌ساز حزب جمهوری اسلامی به‌ین بستی بوده‌اند، دچار شده بودند، دیگر لیبرال‌ها در مقابل اپوزی-

گاه اکنون برای توده‌ها به مسئله‌ای ملموس و حیاتی بدل گشته است انگشت می‌گذارند. علاوه بر آنکه این مسئله به مسئله حیاتی و روزمره توده‌ها بدل گشته است، لیبرال‌ها که دیگر از "اپوزیسیون نمایی" اکنون به یک جریان اپوزیسیون تبدیل شده‌اند، خواهان آزادی انتقاد از حزب جمهوری و برنامه‌های او که برنامه و حرکت رژیم - جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد، هستند. اکنون که دیگر برای آنها مسئله همکاری در این با آن طرح مسئله اصلی نیست و امکان ناپذیر است، باید زمینه لازم برای تأمین رهبری خود بر جنبش توده‌ای را فراهم آورند.

اکنون که توده‌ها فوج فوج از هیات حاکمه دور میشوند و در مقابل آن قرار می‌گیرند برای لیبرال‌ها مثل تمامی نیروهای اپوزیسیون مسئله آزادی برای تبلیغ نظریات خود علیه هیات حاکمه مطرح است. روشن است که در چنین زمانی

اختلاف و وحدت لیبرال‌ها و حزب‌ها شکسته میشود. توافق بر سر یک برنامه معین به منظور بازاری سیستم و سرکوب جنبش غیرممکن میگردد. علیرغم خواست طبقاتی مشترک آنها یعنی حفظ دستگاه دولتی و سیستم سرمایه‌داری وابسته، تهیه یک برنامه مشترک برای اینکا و غیرممکن میشود. از این زمان است که اصلی‌ترین رابطه بین لیبرال‌ها و حزب‌ها رابطه "وحدت" بلکه "مبارزه" تشکیل میدهد. در برنامه ریزی بودجه، تعیین وزرای باقیمانده و... از سوی لیبرال‌ها همکاری مسورت نمی‌گیرد، بلکه تنها و تنها خدمت و مقابله جانشین آن میشود. اکنون دیگر ائتلاف درهم‌شکسته و همکاری به‌ین بست می‌رسد. در همین رابطه است که مدتی بعد لیبرال‌ها مطرح کردند که جمهوری اسلامی به‌ین بست رسیده است که در واقع بیان این واقعیت بود که همکاری دو جناح بورژوازی حزب و لیبرال دیگر به‌ین بست رسیده است. دیگر تغییرات کمی در تشدید اختلافات به نقطه جدیدی رسیده و اساس مناسبات بین این دو نیروی ارتجاعی را وارونه کرده و ائتلاف و همکاری را به‌ین بست گذاشته است.

جریان‌هایی که از چندین ماه پیش (تا به‌ین بشوآن گفت از اسفند سال گذشته) تا اکنون ادامه دارد حکایت از چنین تغییر کیفی در مناسبات بین این دو نیرو دارد. از همین زمان است که لیبرال‌ها را در اساسی‌ترین سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی نه در کنار بلکه در مقابل حزب‌ها (از موضع انقلابی) می‌بینیم. آنها اکنون از موضعی ارتجاعی و عوام‌فریبانه خود را همسوی جنبش توده‌ای کرده‌اند.

حزب جمهوری نیز از این پس نه‌بفکر تأمین همونی بلکه به‌جرا در آوردن کامل سیاست‌های خود میباید. از این پس در رابطه با اصلی‌ترین مسائل این تنها سیاست حزب است که اتخاذ میگردد و برای لیبرال‌ها جای مانوری باقی نگذاشته است. لیبرال‌ها در همین زمان که حزب سیاست سرکوب خود را به‌طور فزاینده و کاملی پیش میبرد، بر روی مسئله استبداد و سرکوب



توده‌های انقلابی در همه جا حضور فعال دارند و طرفداران حزب جمهوری اسلامی با حضور خود در صحنه "ایستادگی" می‌نمایند

## جمهوری اسلامی و خمینی را به اهرمی برای گسترش انقلاب تبدیل کنیم

## آرایش سیاسی نوین و تاکتیک کمونیستها

لیبرالها از قدرت آغا زکرده اند که اکنون منجر بدان شده است که از لیبرالها جزو جداگانه ریگاتوری در قدرت باقی نماند. حزب جمهوری اسلامی از این لحاظ تعرض خویش را از سوی در سرکوب انقلاب و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و از سوی دیگر در مقابل لیبرالها ادامه می دهد.

### تاکتیک کمونیستی

#### در برخورد به شرایط کنونی

با این تغییرات در آرایش سیاسی نیروهای دشمن یعنی شکسته شدن ائتلاف و وحدت سیاسی آنها با یکدیگر و عمده شدن تفاد آنها و نیز کسب قدرت دولتی توسط جناحی از بورژوازی (حزب جمهوری اسلامی) طبیعتاً کمونیستها از تاکتیک بهره میگیرند که نظارت بر این شرایط داشته باشد. اما طبیعتاً است که پیش از هر چیز باید دقت کنیم که ما تنها به آن تاکتیک احتیاج داریم که ما را هر چه را احتیاج بر سرعتر به استراتژی مرحله ای مان یعنی جمهوری دمکراتیک خلق رهنمون شود.

اگرچه با تغییر شرایط و آرایش نیروها در مرحله سیاسی میبایستی در تاکتیک تجدید نظر کرد و تاکتیک نوینی انتخاب کرد ولی بقول رفیق لنین همواره باید با خاطر بسیاریم که این تجدید نظر در تاکتیک همواره باید با احتیاط بسیار همواره خورداپورتونیستی وجود دارد.

همانگونه که گفتیم تاکتیک کنونی ما با ایدئولوژی منطق و ناظر بر شرایط نوین آرایش سیاسی قوا در محله خاصه باشد و از سوی دیگر حتماً و حتماً در جهت دستیابی به استراتژی ما را ایساری رساند.

استراتژی مرحله ای ما در هم شکستن ماشین دولتی، سرنگونی بورژوازی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق است. شرایط جدید آرایش سیاسی دشمن و وضعیت جنبش توده ای راهم که قبلاً ترسیم نمودیم، تاکتیک کمونیستی در برخورد با این شرایط را قرار دادن مرکز ثقل مبارزه بر روی حزب جمهوری اسلامی که اکنون بر

نادیده گرفت که توده ها به میزان وسیعی نتوانسته اند درگ کنند که در پیشبرد خواسته های دمکراتیکشان چه نیروهایی همراه و چه نیروهایی دوستان دروغین آنها هستند. اپوزیسیون ارتجاعی لیبرالها که تا دوره ای از قدرت وسیعی برای تبلیغ ایده های بورژوازی خود برخوردار بود، نتوانسته است خود را بعنوان دوست آنان جا بزند. عواملی از این قبیل خود به عنوان سدی در مقابل رشد دمکراتیسم جنبش عمل کرده و در صورت عدم برخورد فعال کمونیستها و انقلابیون بیم آن هست که یکبار دیگر برای مدتی جنبش توده ای را به منقلب و فرسایش پوسیده بورژوازیسی کشانند.

بنابراین وضعیت کنونی جامعه را در اساسی ترین خطوط آن میتوان بدین صورت ترسیم نمود:

از سوی کشمکش و تضاد انقلاب و ضد انقلاب جامعه نیافته بلکه تشدید میگردد. در این میان حزب جمهوری اسلامی بیش از سایر جناحهای فدا انقلاب آماج خشم توده ای قرار دارد که با توجه به وضعیت نوین آرایش سیاسی بورژوازی این روند ادامه خواهد داشت.

از سوی دیگر جنبش دمکراتیک توده ای رفته رفته از دمکراتیسم بیشتری برخوردار میگردد علیرغم آنکه هنوز در پیشبرد وظایف خود نتوانسته با ران واقعی و دروغین خویش را به نحو کامل از یکدیگر تمیز دهد و از اینرو آغشته به ایده ها و نظریات رفرمیسم بورژوازی لیبرالهایی چون بنی مدین می باشد.

در قطب فدا انقلاب، ائتلاف سیاسی لیبرالها و جزیبها شکسته شده و لیبرالها در صف اپوزیسیون قرار گرفته اند و از مدتی پیش همراه با شکسته شدن این ائتلاف حزب جمهوری اسلامی حرکت خویش را برای پیشبرد کامل سیاستهای خود و اخراج

بسیون قرار گرفتند. طبیعتاً بود که حزب جمهوری اسلامی نمیتوانست شاهد آن باشد که بخشی از اپوزیسیون در قدرت سیاسی نقش داشته و در نتیجه به نحوی مطلوب به تبلیغ نظریات خود و بسیج توده ها حول نظریاتش و... بپردازد. از همینرو طبیعتاً اخراج لیبرالها از مدارا مورد دسترسور کار "حزب" قرار میگرفت. لیبرالها در این دوره از شرایط عالی برای تبلیغ و پیشبرد نظریات خود برخوردار بودند و سیدید که سریملاً علاوه بر فعالیتهای وسیع تبلیغاتی سخنرانی هر روزه بی صدر در روزنامه انقلاب اسلامی که از تیراژ وسیعی برخوردار بود... به ایجا دشکلیات خود یعنی "دفتر هماهنگی با رئیس جمهور" نیز دست زدند. طبیعتاً بود که هر چه آنها بیشتر در مصداق امور بودند بهتر میتوانستند از جریان ناشی که درون حاکمیت میگردد با خبر بوده و کار خود را گسترش دهند. از همینرو اخراج آنها در دسترسور کار "حزب" قرار گرفت. به صورتی که اکنون دیگر میتوان گفت جز کاریکا - توری از بنی صدر در قدرت باقی نمانده است که تا بدینجا با این مقاله آنرا هم به گوشه ای پرتاب کرده باشند.

از سوی دیگر در همین دوران رشته تضاد همیشگی انقلاب و فدا انقلاب همواره در حال سکون بلکه در رشتدا تم بوده است. این کشاکش که از زمان فردای قیام وجود داشت و نشان دادیم که چگونه رشد نموده و بدنیال خود تضاد درون حاکمیت را تعمیق بخشید، اکنون نیز همچنان وجود دارد. البته روشن است که با قرار گرفتن لیبرالها در صف اپوزیسیون و حاکمیت هر چه بیشتر جزیبها و خمینی، توده ها که در واقعیت می دیدند که جزیبها به عوامل اصلی سرکوب توده ها بدل شده اند و زبور و بیشتر و بیشتر به رویا رویی با این جریان بورژوازی و از این طریق با رژیم جمهوری اسلامی کشیده میشدند و می شوند.

با تشدید سیاست سرکوب و اختناق چه در عرصه سیاسی و چه اقتصادی توده ها هر روز بیشتر و بیشتر متافع خود را با رژیم که اکنون توسط سیاستهای "حزب رهبری و هدایت میشود در تضاد دیده و به مقابل با آن کشیده میشوند و از همسرو رفته رفته جنبه دمکراتیسم جنبش توده ای بیشتر میگردد البته نباید عینیتات کنونی را



**تاکتیکهای غیرپروتزی و اوضاع کنونی**

برای نگرش همه جانبه تریبوتارکتیک کمونیستی بهتر است تا انحرافات موجود در تاکتیکهای گوناگون برخورد به شرایط کنونی جنبش را مطرح کنیم .

**۱- دیدگاه رفرمیستی**

مهمترین و برجستهترین شعار رفرمیستی در برخورد به اوضاع کنونی را سازمان مجاهدین خلق نمایندگی میکنند که از زمان شکست این ائتلاف به طرح شعار "خلع پاد از حزب انحصار طلب برداشت" مجاهدین که دنبال تشدید گرایشات بورژوا- لیبرالی خود، تبلیغ و ترویج درهم شکستن دستگاه دولتی را به فراموشی (۱) سپرده اند و اکنون در هیچیک از اوراق مطبوعاتی آنها بحثی و سخنی در رابطه با ضرورت درهم شکستن دستگاه دولتی، بوروکراسی و ارتش، دیده نمیشود طبیعتاً نمیتوانند جز بفرگرت صرف (ونه درهم شکستن) دستگاه دولتی باشند. ما قبلاً در مقالات مربوط بدولت (شماره های ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ نشریه) توضیح دادیم که ضرورت هرا انقلاب خلقی درهم شکستن دستگاه دولتی یعنی در املی ترین وجوه آن نابودی بوروکراسی و ارتش میباشد . هرنیروی که خواهان صرف این ماشین دولتی یعنی سوار شدن بر آن ونه نابودی

**آرایش سیاسی نوین و تاکتیک کمونیستها**

جهت مورد ضربت قرار دادن دستگاه دولتی، بوروکراسی و ارتش میباشد. توده ها در این مقابله به روشنی و وضوح بیشتری درک می کنند که ارگانهای دولتی در تضاد و دشمنی آشکار و عمیق با منافع آنان قرار دارد و نقش آنها را در سرکوب سیاسی - اجتماعی - اقتصادی خود هر چه بهتر درک میکنند و در مقابل با سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی به سردمداری حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی ناگزیر به رودر رویی با ارگانهای دولتی کشیده میشوند.

از همین رو ما انتقال مرکز شقل مبارزه علیه حزب جمهوری اسلامی که بر ارگانهای دولتی سوار گشته است و افشای عوام فریبی لیبرالها بمنظور طرد آنها از صفوف دمکراتیک جنبش توده ای را تنها تاکتیک کمونیستی به اوضاع کنونی، یعنی از زمان شکست ائتلاف حزبها و لیبرالها به بعد می دانیم .

دستگاه دولتی سوار شده است و نیروی سر- کوبگر جنبش توده ای را تشکیل میدهد و هم چنین افشای عوام فریبی لیبرالها و نقش ارتجاعی آنها در رابطه با جنبش توده ای می باشد .

این تاکتیک از سویی برای اوضاع کنونی جا معده نظارت دارد زیرا گفتیم که اکنون لیبرالها نه در نقش نیروی سرکوبگر انقلاب بلکه در نقش یک اپوزیسیون ارتجاعی که بمنظور دستیابی مجدد به قدرت سابق نیکو شد بر جنبش توده ای سوار شود در مبارزات کنونی جا معده ما انجام وظیفه میکنند. آنها اکنون به یک حریف، نیروهای انقلابی و کمونیستی برای کسب رهبری بر جنبش توده ای تبدیل شده اند و از همین رو وظیفه کمونیستی در برابر آنها افشای بی امان ماهیت ارتجاعی آنها در بین توده ها بمنظور طرد آنها از جنبش توده ای میباشد. از طرف دیگر حزب جمهوری اسلامی و خمینی با تصرف مواضع قدرت سرکوب داری وابسته را بر اساس سیاستهای مستقیم و مشخص خود در دستور کار قرار داده است. از همین رو بسیج توده ای برای مقابله با سرکوب و برنامه های بازسازی سرمایه داری وابسته که از سوی حزب جمهوری اسلامی به پیش برده میشود با پدھر چه وسیع تر و گسترده تر سازمان دهی گردد .

بنابراین مقابله و مبارزه با سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی که از سوی حزب جمهوری اسلامی و خمینی تدوین گشته و به پیش برده میشود و افشای عوام فریبی لیبرالها تنها تاکتیک کمونیستی در انطباق با وضعیت کنونی این دو نیرو و اوضاع جامعه می باشد . از طرف دیگر این تاکتیک در خدمت هدف استراتژیک ما یعنی درهم شکستن ماشین دولتی، نابودی بوروکراسی و ارتش ارتجاعی و بورژوازی میباشد. از آنجا که این حزب جمهوری اسلامی است که بر دستگاه دولتی سوار بوده و آنرا در خدمت اهداف ارتجاعی خود در جهت سرکوب توده ها و برنامه ریزی اقتصادی خود به پیش میبرد، بسیج توده ها علیه این سیاستها آشکارا در



سپاه جاکان ژ- س بدست، در شکار توده ها

**لیبرالها، همدستان سابق حزب جمهوری اسلامی در سرکوب توده ها در صف انقلاب جایی ندارند**

## آرایش سیاسی نوین و تاکتیک کمونیستها

خواستار آنها را بطور همسان وبدون کوچکتر- بین تفاوت مورد ضربت قرار دهد. طبقا بین دیدگاه ما با بدلیبرالها را در مبارزات دوران قیام (۵۷ - ۵۶) بدین دلیل که ارتجاعی بودند با جناحی از بورژوازی (کمپرادور) که بر دستگا دولتی سوار بود در تاکتیک همواره یکسان و با یک مضمون مورد برخورد قرار میدادیم. همچنین چون روبرویونیتها ما هیتی بورژوازی و ارتجاعی دارند با دید آنها را مانند سایر جناحهای بورژوازی و بطوریکان مورد ضربت قرار میدادیم. در حالیکه ما اگر چه آنها را همزمان با سایر جناحهای بورژوازی مورد ضربت قرار میدادیم ولی همیشه بطوریکان آنها را مورد ضربت قرار نمیدادیم. در واقع این نگرش کاری به تاکتیک، وضعیت عینی آرایش نیروها و وضع جنبش بوده است. داشته و تنها استراتژی را می شنا بدودر هر لحظه خواهان اجرای بلادرنگ استراتژی می - باشد و نه اینکه تاکتیکهایی در خدمت رسیدن به استراتژی انتخاب نماید.

### ۳- دیدگاه پاشیونیستی

این دیدگاه که بطور مشخص از سوی "ساز - مان رزم انقلابی برای آزادی طبقه کارگر" نمایندگی میشود، قادر به تشخیص محدوده اصلی مبارزه که نیروی بین انقلاب و ضد انقلاب است نمیشود. ما گفتیم که مضمون اصلی نبردی که هم اکنون درجا مع وجود دارنگشا کش انقلاب و ضد انقلاب است. خودها برای خواسته های دمکراتیکی مبارزه میکنند و جنبش تواری دارای دمکراتیک مضمونی میباشد ولی ما درست می اندیشد که لیبرالها نیز در مبارزه برای تحقق این اهداف با او همراهند. همانگونه که در مقطعی (مقطع سفارت تا دوره ای) در کسب اهداف دمکراتیک - ضد امپریالیستی خود تصور میکرد که بسا حزبها میتوانند همراه ما باشند. پس در اصل آنچه محتوای این جنبش را تشکیل میدهد دمکراتیک و انقلابی اما ناپیکر چاکم بر آن میباشد. اما بنا بر دست و بدلیل ایده های لیبرالی - رفرمیستی موجود در آن می - اندیشد که لیبرالها (یا در دوره ای حزبها) در این مبارزه ما او همراه هستند. دیدگاه پاشیونیستی مضمون اصلی مبارزه را غرض - موش (۱) نموده و جنبش را ما هیتالیبرالی بقیه در صفحه ۱۶

میباشد. ما با این انحراف در دوران قبل از قیام که لیبرالها در قدرت نقش می - داشتند آشنا هستیم که بهای لازم با فضای این اپوزیسیون ارتجاعی داده نمیشد. مبارزه را به بخشی از بورژوازی محدود مینمود و در نظر نمیگرفت که ما با بدکل بورژوازی را بطور همزمان مورد ضربت قرار میدادیم.

### ۲- دیدگاه چپ

انحراف دیگری که با دید با آن نیز مرز - بندی نمود دیدگاه اپورتونیستی "چپ" میباشد که بدون توجه به آرایش فضای سیاسی ضد انقلاب، تسلط جناح حزب - سر دستگاه دولتی و نقش اپوزیسیون لیبرالها، هر دو را به یکسان مورد ضربت قرار میدهد. ما گفتیم که دیدگاه راست و رفرمیستی کل بورژوازی را همزمان مورد ضربت قرار نمیدادیم. دیدگاه "چپ" با این انحراف مرز بندی داشته و کل بورژوازی را بطور همزمان مورد ضربت قرار میداد ولی انحراف آن در این است که آنها را با مضمون یکسان و بطور همسان مورد ضربت قرار میداد. این نگرش غیر پروولتاری تنها استراتژی را میدادند که ناسودی کل بورژوازی است و در تعیین تاکتیک بدلیل ارتجاعی بودن کل بورژوازی می -

آن باشد. تنها هدف بورژوازی و رفرمیستی در برابر خود قرار داده است و میخواهد جای بخشی از بورژوازی را به بخش دیگری بدهد. مجاهدین خلق نیز علیرغم آنکه در ظاهر شعار "چپروانه" ناسودی حزب جمهوری و خلق یاران را میدهند، اما در واقع تنها خواهان سوار شدن لیبرالها یعنی جناح دیگری از بورژوازی بر قدرت هستند که روشن است این تاکتیک به هیچوجه در جهت استراتژی انقلاب یعنی ناسودی دستگاه دولتی نمیشد. اصولا طرح شعار "نا بودی جناحی از بورژوازی" (مثلا حزب جمهوری) که جز برنامه استراتژیک ما میباشد بطور تاکتیکی (یعنی اینکه ما هدف خود را ناسودی ماشین دولتی بلکه تنها و تنها بخشی از بورژوازی قرار داده ایم)، طرح شعار "نا بودی حزب جمهو - ری" (یعنی اینکه ناسودی جناحی از بورژوازی بدون درهم شکستن ماشین دولتی امکان پذیر میباشد و میتواند بعنوان تاکتیک در دستور کار قرار گیرد) علیرغم پوشش "چپ" از ما هیتی کاملاً راست برخورداری می باشد. طرح این شعار یعنی اینکه استراتژی خود یعنی ناسودی بورژوازی را به چند بخش تقسیم کردن. یعنی اینکه اول جناحی از بورژوازی را ناسود میکنیم، بعد جناح دیگری را آخر. (ما در شماره های بعد در این رابطه مسئله تکه تکه کردن دستگاه دولتی تحت این شعار رفرمیستی بیشتر صحبت میکنیم)

از انحرافات دیگر در این زمینه ندیدن ما هیت ارتجاعی لیبرالها و فراموش کردن افشای آنان بعنوان یک اپوزیسیون ارتجاعی در جنبش بوده ای



توده ها بچشم خود می بینند که آنها ده های انقلابی در واقع چیزی نیستند جز: "چماق سرکوب و خفقان"

# تبلیغ علمی در شیراز و زبونی پاسداران سرمایه

سپاه که رسیدیم پاسداران مسلح سر رسیدند و به قصد دستگیری ما جلو آمدند. ما به مقاومت و افشای بوی بودا اختیار کردیم و درگیری را بوسیله خیابان گشادیم. خیابان صحنه درگیری انقلاب و ضد انقلاب شده بود و هر دو قطب چهره خود را بخوبی نشان میدادند. پاسداران سرمایه با مشت و لگد و زنجیر جان ما افتاده بودند و حتی لباس رفقای دختر را میکشیدند و باره میکردند و آنها را بیرونی اسفالت کشیده و در زیر ضربات قنداق تفتک می بردند. اما مقاومت همچنان ادامه یافت. برای بردن یکی از رفقای دختر پس از مدت ها تلاش بالاخره مجبور شدند چند نفری دستها و پاهای رفیق را گرفته و او را در ماشین بیا نوازند. بالاخره پس از مقاومت طولانی در آنروز آنها توانستند ما را

ساعت ۶ بعد از ظهر فروش را از کتابخانه معرفت شروع کردیم و بطرف کتابخانه حرکت کردیم. پس از مدتی فالانزها که شدیدا بیخوش شده بودند دور ما حلقه زده و پرسیدند که چه نشریه ای میفروشید؟ یکی از رفقا محکم و قاطع فریاد زد: "نشریه پیکار می فروشیم" مردم که شها مت رفیق را با نگاه تحسین میکردند در اوج درگیری سعی در خرید نشریه داشتند. در همان چند لحظه تعدادی نشریه بفروش رفت (فالانزها با شدت فحش میدادند و چون اثری در کار ما نداشت شروع بزدن مشت و لگد و تهدید با تیغ موکت و... کردند. اما ما همچنان براه خود ادامه دادیم. فالانزها که تعدادشان بیشتر شده بود شعار مرگ بر پیکاری و... را سرداده بودند و سعی داشتند ما را بطرف سپاه ببرند. به فلک

## پخش و فروش در شبیه بازار انزلی

میگفت که من سواد ندارم تا بخوانم والا میخریدم". ویازن زحمتکش به زن دیگری میگفت که: این برای کارگران است بیرونی از آنها بگیر وزن دیگر در جواب میگفت: "من که سواد ندارم" او با همان بطرف رفیقان رفت و یک اعلامیه را گرفت و گفت: "دختر من سواد دارد میبهرم او برایمان بخواند". در این روز ارتجاع (فالانزها و پاسداران با لباس شخصی) بعلت استقبال شدید مردم نتوانستند هیچگونه حرکتی از خود نشان دهند تا شیر عمل انقلابی ما در این روز بر روی خنده های مردم خیلی خوب بود و استقبال آنها نیز در روحیه ما بسیار مؤثر بود.

ساعت ۱۰ صبح در شبیه بازار پخش و فروش داشتیم طبق برنامه ساعت ۱۰ کار شروع شد. یکی از رفقا نشریه میفروخت و رفیق دیگری نیز اعلامیه پخش مینمود. در حین فروش و پخش با استقبال و شور مردم زحمتکشی که در آنجا حضور داشتند مواجه شدیم. طوریکه در ابتدای شروع کاری یکی از زنان به دوستش میگفت: "این پیکارها عجب سرترسی دارند". و به دنبال رفیق پخش کننده رفت و یک اعلامیه از او گرفت و در ساکش گذاشت و با سر بچه ای با صدای بلند داد میزد: "پیکار را رگمان مرکزی کارگران کمونیست". واقعا استقبال و پشتیبانی مردان و زنان زحمتکش در این روز بسیار خوب بود به همه رفقا که در حین کار انقلابی بودند روحیه عالی میداد. وقتی که رفیق دختر نشریه را با صدای بلند داد میزد و میفروخت کاری به دوستش میگفت: "ببین برای تو دارند میفروشند و بخر و کارگر در جواب



بداخل ماشین انداخته و به "دفتر سپاه" ببرند. در آنجا نیز مجبور شدند ما را کشتن کشتن داخل سپاه منتقل کنند. ما با روحیه شعری بمقاومت ادامه دادیم. اما جالب این بود که مزدوران سرمایه با کمال زبونی پس از ۲ دقیقه مجبور به آزاد کردن ما گشتند!

### توضیح و تصحیح

در ارتباط با خبر میتینگ در دبیرستان آزادگان مشهد که در شماره (۲۲) ۱۳ آبان بجا بر رسیده است در نقل خبر اشتباهاتی رخ داده که بدینوسیله تصحیح میشود: اولاً: در آن آمده بود که برنام میتینگ بینا سبت چهلمین روز شهادت رفقا آذر و ایرج برگزار شده که این موضوع صحیح نیست و میتینگ در رابطه با " جشن پایان تحصیلی" برگزار شده است. ثانیاً: در خبر مطرح شده بود که برنام مشترک با همکاری هواداران "راه کارگر" برگزار شده که صحیح است اینست که در آنروز دو برنام مستقل و جدا از هم یکی از سوی هواداران "راه کارگر" و سپس برنامهای از طرف رفقای هواداران سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار دبیرستان آزادگان برگزار شد و با هم نیز در دو برنام مستقل خوانده شدند.

هیات تحریریه ۱۳ آبان

## مطبوعات حکومتی تحریم باید گردد

# اوضاع کنونی و مبلغین آگاهی سرخ

به سرکوب جنبش انقلابی توده‌ای، گشتار خلق قهرمان کرد، قزوندان راستین خلق ترکمن و... می برداختند و اکنون مدتی است آزادبخواه (۱) و مترقی (۲) شده اند.

۱- بنا بر این صرفاً مسئله بر سر این نیست که ما بطور همان این دو جناح بورژوازی و ضد انقلابی را مورد تعرض قرار ندهیم، بلکه اساساً جهت و مضمون افشای مآثر موره آنها نیز متفاوت می باشد.

۲- اکنون که بدرستی از سوی سازمان های کمونیستی و انقلابی، مطبوعات ارتجاعی "مجاز" تحریم گشته اند، برای پیشبرد این تاکتیک و نیز برای افشای این تعرض ارتجاعی، باید به شکل های مختلف و اولاً اخبار منطقه را شهر خودمان و ثانیاً اخبار شهرهای دیگر را بگوش داده های میلیونی پراکنیم. در صورت عدم پیشبرد این کار توده ها علیرغم مخالفت بودن با این تشریفات برای آگاه شدن نسبی از برخی اخبار در این تحریم مطبوعات ارتجاعی فعالانه شرکت نخواهند کرد.

۳- باید بکوشیم تا محلی را در شهر خودمان (لا اقل یک محل) به محل تجمع توده ها (بویژه توده های آکا هتروسا س تر) به منظور دریافت اخبار، اعلامیه ها و... تبدیل کنیم. ضمناً اخبار مبارزات منطقه خود را سریعاً برای "پیکار" و "۱۳ آبان" بفرستید تا از این طریق در سطح عمومی جا می افتد.

۴- در فعالیتهای تبلیغاتی مثل میتینگ کوتاه مدت خیابانی - تظاهرات کوتاه مدت (موضعی) باید دقت کنیم که مسئله مهم آن است که به درجات بالا و وسیع به بخش اعلامیه های آگاهی دهنده کمونیستی بپردازیم. در طول همین تظاهرات کوتاه مدت و میتینگها باید از تجمع توده ها به گرد تظاهرات یا میتینگ استفاده نموده فعالانه به بخش اعلامیه بپردازیم.

۱- اندک، این یا آن گوشه که جو مبارزاتی از خصوصیات دیگر و بالاتری برخوردار است نمی باشد.

۲- همانگونه که گفتیم مرکز ثقل مبارزات ما بر حزبها و خمینی، که قدرت سیاسی را تشکیل میدهد تمرکز باید ولیبرالها را همزمان با حرکت فوق با بدافشا کنیم. در تبلیغ ما به توجه داشته باشیم:

الف: این سیاست بدین معنی است که بخش اصلی فعالیتهای تبلیغاتی ما در رابطه با افشای جنایات و خیانتها بی خواهد بود که حزبها و خمینی بعنوان هیات حاکمه مرتکب میگردند. اما همزمان (شبه همان و به یک میزان) باید به افشای عوام فریبی های لیبرالها بپردازیم. باید توجه داشته باشیم که از آنجا که در نظر اکثر توده ها حزب افشا شده است، باید بیشتر با رساندن اخبار جنایات و سرکوبیهای رژیم درجه تنفرو آنها را نسبت به آنها بر انگیزانیم و بدین طریق برهیزم آتش نفرت توده های نسبت به هیات حاکمه بسازیم.

ب: این سیاست بدین معنی است که اگرچه همزمان با مبارزه علیه حزبها و خمینی، به افشای لیبرالها میپردازیم ولی باید توجه داشته باشیم که این دورا به یک میزان موردتها هم تبلیغاتی خسود قرار ندهیم. نکته مهم تر آنکه افشای حزبها و لیبرالها از یک مضمون برخوردار نیست.

ما حزبها و خمینی را در رابطه با سرکوب جنبش توده ای، گشتار و خشکان توده ها، تعرض برای ایجاد جو خفقان و سرکوب موره افشای بی امان خود قرار میدهم. در حالیکه با لیبرالها به افشای ارتجاعی بودن آنها و تفاوت بین خواسته های آنها در مبارزه علیه هیات حاکمه با خواسته های انقلابی توده ها در این مبارزه باید بپردازیم.

در افشای لیبرالها باید نشان دهیم که آنها تا چند ما پیش در ائتلاف با حزبها

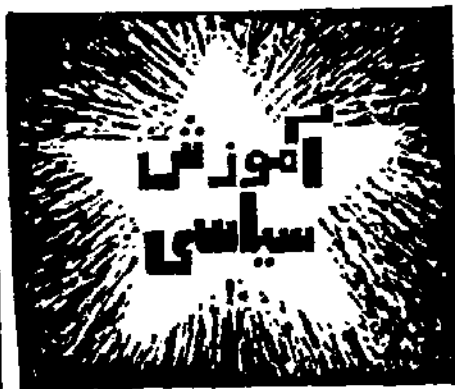
کمونیستی بدان را روشن کنیم. قدمها در اینجا توضیح مجدد آنها نیست. بلکه در اینجا سخنی با رزمندگان کمونیستی داریم که مبلغین این سیاست صحیح کمونیستی هستند.

## تبدیلات افشاگرانه و تهییجی، که ما کن مضمون اصلی فعالیت ما را تشکیل می دهد

با توجه به سطح جنبش توده ای هنوز فعالیت تبلیغی - تهییجی اصلی ترین وظیفه ما را در برخورد به شرایط جا میسه تشکیل میدهد. اگرچه توده ها تا طریبا طرف بوده و در مقابل تعرض هیات حاکمه به انقلاب موفکگیری معین بسودا انقلاب (آمیخته با توهما ت لیبرالی) دارند اما با نگرشی واقع بینانه و بدورا ز نمایلات ذهنی خود بخوبی میتوانیم ببینیم که هنوز آما دگی شرکت در تعرض علیه سرکوب انقلاب را نداشته و در راه هیما بی ها و نظا هراتها و تعرضات انقلابی علیه جو خفقان و سرکوب شرکت فعالی ندارند و عمدتاً می توان گفت تما ناگران حمایت کننده این تعرضات انقلابی هستند. از همینرو تظاهرات نمیتواند شکل اصلی فعالیت ما را تشکیل دهد. اما از آنجا که توده ها اکثر و عمدتاً نسبت به جنبات کاران حزبی توهمی نداشته و علیه آن موفکگیری مریعی دارند، در نتیجه سمت و سوی حرکات ما از نظر شکل باید در جهت به صحنه مقابل گشتا ندن توده ها باشد.

حرکت برای بسیج توده ها در مبارزه و تظاهرات باید جهت و سمت و سوی فعالیت کمونیستی ما را تشکیل دهد. اما غلط است که به یکباره خود را در شرایطی ذهنی احساس کنیم که توده ها به چنین حرکتی کشیده شده اند. از این نظر شرکت در بحثها بخش اعلامیه، فروش نشریه، تظاهرات کوتاه مدت تبلیغی و فعالیتهای مبارزاتی از این قبیل اصلی ترین اشکال حرکات ما را باید تشکیل دهد. این حرکات باید جنبه تهییجی داشته و تا طریبه محنه مبارزه فعال گشتا ندن توده ها باشد. (طبیعی است که ما این مطلب را در سطح عمومی کشور مطرح میکنیم و به مفهوم نفی در دستور کار قرار دادن تظاهرات در مناطق





# امپریالیسم - سرمایه داری وابسته

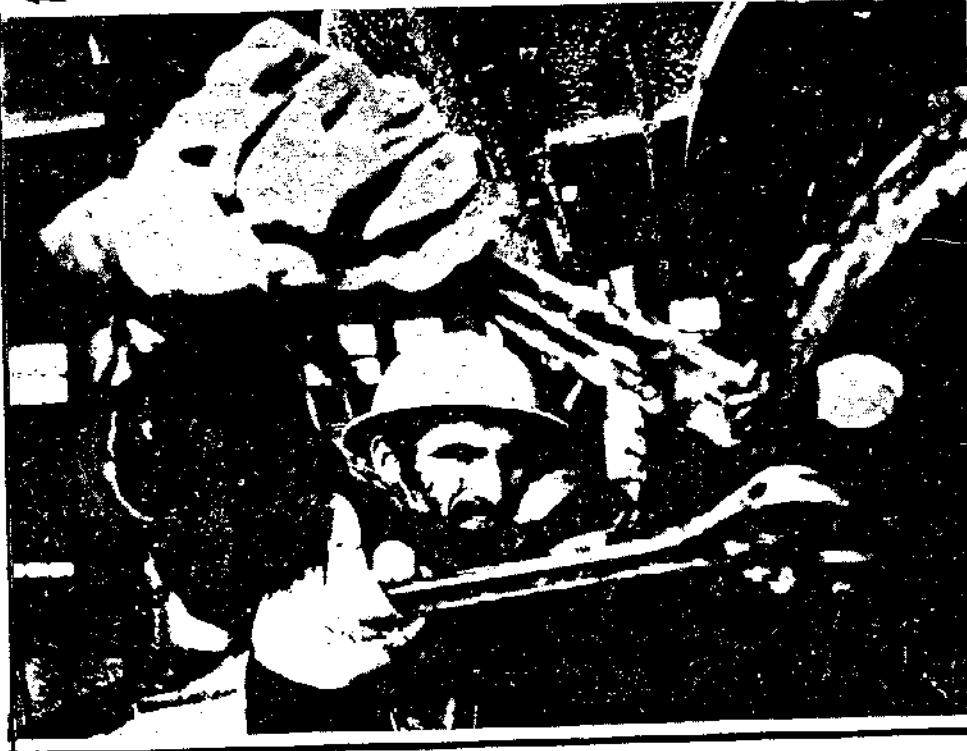
مناسبات تولیدی سرمایه داری است و بنا بر این در خطوط کلی خود، همان قوانین اصلی حاکم بر مناسبات سرمایه داری بر آن نیز حاکم است و ما لازم می بینیم که خصلت اساسی مناسبات سرمایه داری رابطه اختصار با آباداری نمائیم و در ضمن به یک سری خصوصیات مهم دوران اولیه تکامل سرمایه داری، یعنی دوران رقابت آزاد نیز اشاره خواهیم کرد تا در مطالعه مشغلات امپریالیسم ما را یاری رسانند.

آنچه که سرمایه داری را از سایر مناسبات تولیدی در طول تاریخ حیات بشر جدا

صحیح سیاسی از آن حائز نهایت اهمیت است و میتوان گفت نقش مهم در غلبه بر جنبش پرولتری در جنبش کمونیستی ایفا نماید. بنا بر این ما با تشخیص ضرورت شناخت شوریک امپریالیسم، از این شماره به درج مقاله ای در توضیح این مسئله می پردازیم و بویژه در ارتباط با سیستم سرمایه داری وابسته برخی نتایج اصلی را از آن استخراج خواهیم کرد.

برای ورود به بحث امپریالیسم، ضروری است که مروری کلی داشته باشیم بر خود مناسبات سرمایه داری بطور اعم. چراکه امپریالیسم خود مرحله ای خاص از

مسئله امپریالیسم و درک علمی و مارکسیستی - لنینیستی از آن یکی از مهمترین مسائلی است که اینک در جنبش کمونیستی ایران مطرح است. بسیاری از نقطه نظرات انحرافی در زمینه مسائل انقلاب ایران ریشه در درکهای ضد علمی و بورژوایی از امپریالیسم دارد. همه نیروهای م - ل علی رغم آنکه در حرف تحلیل لنین از امپریالیسم را میپذیرد و ظاهراً اختلافی با آن ندارند، اما در پرورد مورد مشخص به مسائل مبهم انقلاب در ایران و جهان به اختلافاتی می رسند که دقیقاً ریشه در عدم درک صحیح مقولات و مفاهیم مارکسیستی - لنینیستی و بویژه مقولاتی چون امپریالیسم، ازسوی پاره ای از آنها دارد. نیروهایی که شوری امپریالیسم لنین را نقض نموده و درکهای گوناگون غیر پرولتری را بر جای آن مینشانند، بر این مینابسه استنتاجات اپورتونیستی در زمینه سایل سیاسی ایران و جهان دست میزنند که بهترین شلوران را میتوان در برخورد به روابط تولیدی حاکم برجای ایران و سیستم سرمایه داری وابسته مشاهده نمود. از شعار "شیردیا دیکتاتوری" جزئی تا اعتقاد به مقوله "بورژوازی ملی" در ایران و از تقسیم امپریالیستهای آمریکایی به دو جناح "خوب" و "بد" تا ... ، همگی بنوعی و از زاویه ویژه ای در ارتباط با عدم درک صحیح از امپریالیسم، بنسبته بالاترین مرحله سرمایه داری قرار دارند. به این دلیل شناخت صحیح خصایص و ویژگیهای اساسی سرمایه داری امپریالیستی و اتخاذ نتایج



رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

میکنند و به آن خلعت یک مناسبات تولیدی خاص و متفاوت میبخشد، چیست؟  
 کاروتولید؟ نه! چرا که کاروتولید خود در تمام مناسبات تولیدی ای که جامعه بشری از سر گذرانده است (از کمون اولیه تا حال) وجود داشته و اساساً شرط وجودی جامعه بشری است.

استثمار؟ باز هم نه! چه تاکنون تمام جوامع طبقاتی، مبتنی بر استثمار بخشی از انسانها توسط بخش دیگری بوده اند (از برده داری تا حال) و در تمام آنها همه محصول تولید شده توسط تولیدکنندگان به آنها تعلق نمی گرفته و بخش اعظم آن در اختیار اقلیت جامعه قرار می گرفته است.

پس چه عاملی سرمایه داری را از سایر جوامع طبقاتی متمایز میکند؟  
 بر طبق تحلیل مارکس، آنچه که وجه ششم هر جامعه طبقاتی مبتنی بر استثمار از جامعه دیگر است، همانا شکل استثمار و شیوه مناسبات تولید است. مناسبات تولیدی متفاوت بعد از کمون اولیه، همگی در اینکه بخشی از اهالی استثمار شده اند و در اینکه ثمره تولید تولید کنندگان مستقیم، توسط صاحبان ابزار تولید تصاحب می شده است مشترکند. آنچه که این مناسبات را از هم جدا ساخته و به آنها ویژگی میبخشد، همانگو - نه که اشاره شد، شکل استثمار یا شیوه تصاحب ثمره تولید است و لا غیر.

در جامعه سرمایه داری شکل استثمار چگونه است؟ در این مناسبات ثمره تولید بخشی از اعضاء جامعه، چگونه توسط بخشی دیگر تصاحب میگردد؟

اولین ویژگی نظام سرمایه داری آنست که نیروی کار در آن بدل به کالا گشته و مورد خرید و فروش واقع میشود. سرمایه داری تنها جامعه ای است که در آن نیروی کار کالا است. کارگری که در کارخانه سرمایه دار کار میکند، در ازاء مزد معینی، برای او کار میکند. یعنی در واقع در قبال قیمت معینی، نیروی کار خود را میفروشد و سرمایه دار مزدور در ازاء همان قیمت، نیروی کار او را میخرد و در جهت راه انداختن وسایل

تولید خویش، از آن استفاده میکند. کارگر اگر نیروی کار خود را نفروشد، از گرسنگی خواهد مرد، چرا که او هیچ چیز جز با زوانش ندارد. نه پولی دارد، نه ابزار تولیدی نه زمینی و نه ..... اوقات هرگونه وسایل تولید است، در حالی که سرمایه دار صاحب این وسایل میباشد و کارگر برای بقای خویش ومرار معاش خود و خانواده اش ناچار به فروش نیروی کار خود به بورژوازی است. این امر، تبدیل نیروی کار به کالا، خود اساس برپایی روابط تولیدی سرمایه داری است.

اما بورژوازی که نیروی کار را کارگر را خریده است، چگونه با برده انداختن چرخ تولید، سود به جیب میزند و کارگر را استثمار میکند؟ راز استثمار سرمایه داری در چیست؟

پاسخ این سوال در آنست که بورژوازی تمامی ارزشی را که کارگر تولید میکند، به او باز نمیگرداند. مزی که سرمایه دار به کارگر میپردازد، تنها بخشی اندکی از ارزشی را که بتوسط بازوان توانمندی کارگر ایجاد شده است، در بر دارد. این بخش اندک نیز صرفاً بدین منظور در اختیار کارگر قرار میگیرد تا جوابگوی نیاز او و فرزندانش برای ادامه حیات باشد. بعبارت بهتران بخور و نمیری که به کارگر تعلق میگیرد، برای آنست که او توانایی ادامه کار و تولید و سوددهی هر چه بیشتر به سرمایه دار را پیدا کند و فرزندانش نیز بزرگ شده، به خیل ارتش عظیم کار بیبوندند و توسط بورژوازی استثمار شوند. لیکن بخش اعظم ارزش تولید شده توسط کارگر در اختیار سرمایه داری که کوچکترین نقش در تولید نداشته است، باقی میماند.

مثلاً اگر کارگری در طول روز به میزان ۴ کیسه برنج و ۲ قوطی روغن و ۲ کیسه گوشت ارزش تولید کرده است، ۱ کیسه برنج و ۱ قوطی روغن از این مقدار ارزش تولید شده، به او تحت عنوان مزد باز میگردد و باقی در اختیار بورژوازی باقی میماند.

این مقدار ارزش که به جیب سرمایه دار میزند، همان چیزی است که مارکس نام

آن را ارزش اضافه گذاشت.

کسب ارزش اضافه از طریق استثمار کارمندی توسط سرمایه، اینست همان شکل تصاحب ثمره تولید در نظام استثمار سرمایه داری. اینجاست راز استثمار کارگران توسط بورژوازی.

بر مبنای همین رابطه نیز هست که جامعه سرمایه داری به دو طبقه متخاصم اصلی - یعنی بورژوازی و پرولتاریا، تقسیم میشود. بورژوازی که مالک ابزار تولید بوده، بدون شرکت در پرورش کار، با خرید نیروی کار کارگر را استثمار و ارزش او را از سرمایه داری به دست میآورد و پرولتاریا که فاقد ابزار تولید بوده، و با فروش نیروی کار خویش به بورژوازی و کار برای او، توسط وی استثمار میگردد و ارزش اضافه تولید میکند.

اما حال که خصوصیت عام و کلی تولید سرمایه داری را شناختیم، ببینیم در دوران سرمایه داری مبتنی بر رقابت آزاد، چه رابطه ای بین ارزش اضافه های کسب شده توسط سرمایه داران گوناگون موجود است. بدین منظور ضروری است که اشاره ای مختصر به خود مفهوم رقابت آزاد بنمائیم.

همانطور که از نام سرمایه داری دوران رقابت آزاد بر میآید، ویژگی اصلی این دوره همانند در حاکم و غالب بودن رقابت آزاد بر تولید سرمایه داری است. در این دوران یک نوع کالا - مثلاً کفش - توسط سرمایه داران متعددی تولید میشود و طبیعی است که هر کدام از آنها در صدد کسب بیشترین مقدار سود از سرمایه بگزارند و لذا خودیود. بهمین دلیل بین این سرمایه داران رقابت پدید میآید و هر سرمایه داری سعی میکند که در این جنگ بر سر حداکثر سود، سرمایه داران رقیب را شکست داده و خود پیروز شود.

روشن است که وجود رقابت آزاد موجب آن میگردد که هر سرمایه داری در پی آن باشد تا کالایی را که تولید میکند، به ارزانترین قیمت تولید نماید تا با عرضه ارزانتر کالاهای خود به بازار، بتواند بازار را در قبضه خود در آورده و مشتریان

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

پایین میآید. علت این امر برنیز در آنست که برطبق قانون عرضه و تقاضا، در بازار عرضه هر کالا هرچه کمتر بوده و تقاضا برای آن بیشتر باشد، قیمت آن بالا رفته و برعکس هرچه عرضه زیاد بوده و تقاضا کم باشد، قیمت کالای مفروض روبه نزول خواهد گذاشت. در مجموع یعنی اینکه در این مورد، نرخ سود در رشته آجریزی کم میشود.

از طرف دیگر با انتقال سرمایه ها از رشته چرم سازی به رشته آجریزی، تولیدات چرم کاهش یافته و بالتبع عرضه آن کاهش مییابد. بازم بر طبق قانون عرضه و تقاضا و این بار برعکس، قیمت محصولات چرم سازی بالا رفته و در نتیجه نرخ سود در این رشته بالا میرود.

یعنی در اثر رقابت، در رشته ای که نرخ سود بالا بود، این نرخ پایین آمد و در رشته ای که نرخ سود پایین بود، بالا میرود و قطعا به حد مشترک و یکسانی نزدیک میشود. به این دلیل است که میگوئیم در اثر رقابت میان سرمایه داران رشته های مختلف، نرخ سود در رشته های گوناگون منتهی یکسان شده و سود متوسط را بوجود میآورد. نرخ سود متوسط نیز در واقع عبارتست از رابطه میان کل ارزش اضافه تولید شده در جامعه با کل سرمایه اجتماعی موجود در آن جامعه.

البته در یک جامعه سرمایه داری، فقط سرمایه داران منتهی فعالیت نمیکند، بلکه سرمایه داران تجاری، سرمایه داران بانکی و مالکان ارضی نیز بخشی از ارزش اضافه تولید شده توسط طبقه کارگر را بخود اختصاص میدهند. نتیجه آنکه کل ارزش اضافه تولید شده توسط پرولتاریا، میان کل طبقه سرمایه داران با نرخ سود یکسانی تقسیم میشود.

اما در اثر رقابت آزاد، با وجود یکسانی نرخ سود، تولید سرمایه داری بسوی تمرکز نیز پیش میرود. اما با رقابت آزاد نمیتواند به تمرکز نیز انجامد. در نتیجه رقابت بین سرمایه داران گوناگون، بخشی از آنها روز بروز فربه تر شده، سرمایه شان افزایش مییابد و بخشی دیگر از سرمایه

بقیه در صفحه ۱۹

وسایل تولید و ثانیاً نیروی کار لازم برای برآوردن تولید را تهیه کند (یعنی خریداری نماید) مجموع این دو مقدار، کل سرمایه بکار رانداخته شده را تشکیل میدهد. هنگامیکه نیروی کار ارزش اضافه ایجاد میکند، میزان ارزش اضافه با سود تقسیم بر کل سرمایه بکار رانداخته شده، همان نرخ سود نامیده میشود.

نرخ سود =  $\frac{\text{ارزش اضافه}}{\text{کل سرمایه بکار رانداخته}}$

مثلاً اگر سرمایه داری برای برآوردن تولید، در مجموع برای خرید نیروی کار و وسایل تولید ۲۰۰۰۰ تومان صرف کرده است و پس از انجام پروسه تولید و فروش محصولات خود، ۲۵۰۰۰ تومان بدست آورده، یعنی ۵۰۰۰ تومان ارزش اضافه بکف آورده است، نرخ سود این سرمایه دار عبارتست از:  $\frac{5000}{20000} = 25\%$

اما در جامعه سرمایه داری رقابت آزاد مارکس نشان داد که به علت وجود رقابت، نرخهای سود متفاوت در رشته های مختلف تولیدی، بیک نرخ سود عمومی تبدیل میشوند که حد متوسط همه این نرخهای متفاوت است و بنابراین همه سرمایه داران این با نرخ سود یکسانی تولید میکنند. رقابت چگونه سود متوسط را ایجاد میکند؟ مثلاً در نظر بگیرید که نرخ سود در رشته آجریزی ۲۰٪ و در رشته چرم سازی ۱۰٪ است. بنا بر این طبیعی خواهد بود که سرمایه دارانی که در رشته چرم سازی سرمایه گذاری کرده اند، بخش مهمی از سرمایه های خود را به رشته آجریزی که نرخ سود بالاتری در بر دارد، منتقل نمایند تا سود بیشتری از سرمایه موجودشان بدست آورند چرا که هدف سرمایه داران بکار رانداختن سرمایه اش، چیزی نیست جز کسب سود هرچه بیشتر و بنا بر این سرمایه اش را در رشته ای بکار میماند از آنکه سود بیشتری برای او در برداشته باشد. در نتیجه بخش زیادی سرمایه گذاری در رشته آجریزی صورت میگیرد. اما در این صورت بی شک تولید آجریزی بالا خواهد رفت. نتیجه اینکه، عرضه آجری در بازار افزایش یافته و قیمت آجری

کالای مزبور را بسوی خود کشانده و سایر سرمایه داران فعال در این رشته تولیدی را به ورشکستگی بکشاند و سود هرچه بیشتری را نصیب خود نماید. در نتیجه تلاش برای رشد و گسترش تکنیک تولید بمنظور کاهش مدت زمان کار اجتناباً لازم (تولید کالای فوق بیک فعالیت جدی و مهم سرمایه داری بدل میشود. هر سرمایه داری اگر نمیتوانست به اتکاء بیک کشف علمی جدید، تکنیک نوین و پیشروتری در زمینه ساختن کالای تولیدی خود بکار بندد، قادر بود که مدت کمتری برای تهیه یک کالا وقت صرف کرده و در نتیجه در مدت معینی، تعداد بیشتری کالای تولید نماید. مثلاً اگر با سطح تکنیک عادی در عرض یک روز توسط تعداد معینی کارگر، ۲۰ عدد کفش تولید میگردد، با بکارگیری تکنیک پیشروتر سرمایه دار فوق میتواند در همین مدت، ۲۵ عدد کفش تولید نماید و بنا بر این با ارزانتر تهیه شدن این کالا، سرمایه دار میتواند در بازار از شرایط آسانتری از نرخ عادی فروخته و سود هنگفتی به جیب بزند. مارکس این سود را مافوق سود نامید (۲) اما در تحت شرایط سرمایه داری رقابت آزاد، امکان اینکه چنین وضعیتی پدید آید، نپدید و بلافاصله سرمایه داران دیگر با بکارگیری تکنیکهای نوتر مانع تداوم این وضعیت میشوند و خود نیز به ورشکستگی تولیدشان را یا لاتر میبرند و بنا بر این کسب مافوق سود نمیتوانست مدت زیادی دوام داشته باشد.

اما مهمترین از این رابطه ای است که میان سرمایه داران رشته های صنعتی گوناگون موجود است. بواسطه وجود رقابت آزاد، در این دوران نرخ سود کل طبقه پرورزا یکسان است. این نرخ سود، سود متوسط نامیده میشود. در حالیکه در دوران امپریالیسم، تولید سرمایه داری بر مبنای قانون فوق سود عمل مییابد به بینیم سود متوسط چیست؟

گفتیم که سود سرمایه دار در واقع همان ارزش اضافه است. میدانیم که سرمایه دار برای برآوردن تولید باید اولاً

## زنده باد پیکار توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی



بقیه از صفحه ۲۰ مراسم ..

خواهان آزادی رفیق دستگیر شده خود شدند مردمیکه در خیابان شاهدربان بودند مرتب از پاسداران میخواستند که دانش آموز دستگیر شده را آزاد سازند که در این حال پاسداران چندین گازاشک آوورا بمیان مردم و دانش آموزان پرتاب کردند. دانش آموز دستگیر شده هم با استفاده از موقعیت مناسب و شلوغی از دست آنان فرار کردند. در این راهیما با علامیه سازمان پیکار - سنج - مسابیت پایان سال تحصیلی بخش شد. مسئله ای که در این میان جالب توجه بود برخورد نیروهای یزد که از قیافه اش پیدا بود از خانواده و حجت کشی است او علامیه ها را که بر زمین افتاده بود بدینند میکرد آنها را در جیب خود می گذاشت و سپس آنها را از جیبش در آورده و مطالعه میکرد و در جواب دانش آموزی که بعمل پاسداران اعتراض کرده بود گفته بود: میدانم که حق با شماست مدتهاست که میدانم. در این حرکت دانش آموزان از روحیه عالی برخوردار بوده و باعث تقویت روحیه مردم شده بودند. بعد از متفرق شدن دانش آموزان پاسداران با دیدن هر قیافه مشکوکی عا جزانه به دستگیری در خیابان میپرداختند و بار دیگر مزدوری خود را نسبت به ارتجاع و پاسداری خود را از سر ما به تمام بخش می گذاشتند.

## جشن پایان تحصیلی در دبیرستان "روز مادر"

تهران - دبیرستان روز مادر

در روزهای پنجشنبه ۷ و شنبه ۹ خرداد در دبیرستان بمناسبت پایان سال تحصیلی برنامه ای ترتیب دادیم. برنامه ما شامل نوب چندین بزرگ نویسی (که از مقالات و اخبار ۱۳ آبان نوشته بودیم) و دو سلاکار تبلیغ "پیکار و ۱۳ آبان" بود. همچنین بر روی یک نقاشی بزرگ طرحی در رابطه با جنبش دانش آموزی کشیده بودیم در کنار این نقاشی ها کوچکی

که برپا کرده بودیم از طریق ضبط، سرودها و سا زمان را نیز بخش میکردیم. استقبال دانش آموزان در این دو روز از برنامه تبلیغی ما نسبتاً خوب بود و هر چند بدلیل درگیری امتحانات و خلوت تر بودن مدرسه جمعیتی کمتر از قبل بدور ما جمع شد اما مجموعاً خوب بود. یکی از مطالب بزرگ نویسی شده ما که در افشای رویز - یونیت های خائن اکثریت و توده ای بود بسیار مورد توجه دانش آموزان قرار گرفته بود. بساط کتاب فروشی هم برپا بود که مقد - ار نسبتاً زیادی فروش داشتیم. همچنین نشریات "پیکار" و "۱۳ آبان" را نیز به فروش میرساندیم. اعلامیه های مربوط به شهادت رفیق "مژگان" را نیز بخش کردیم که مورد استقبال قرار گرفت. فالانژها بر خوردی نکردند و جز چند مورد که با کمان ضعف و زیونی به مسخره کردن شعارهای نصب شده و... میپرداختند کار دیگری از دستشان بر نمی آمد البته در روز شنبه دوستان مجاهد هم بمناسبت پایان سال تحصیلی برنامه ای گذاشته بودند که برگزار شد و حدود نیم ساعت طول کشید.

آنچه در مورد برگزاری جشن پایان سال تحصیلی در مدرسه ما مهم بود اینکه ما با رفقای هوادار ما زمان چریک های فدایی خلق نیز تماس گرفته و از آنها خواسته بودیم که برنامه مشترک انجام بگیرد. که آنها علیرغم فاصله زمانی زیادی که با آنها مسئله در میان گذاشته شده بود عملاً در روزهای آخر مسئله را مسکوت گذاشتند و بالاخره هم برنامه مشترک برگزار نشد و آنها برخورد غیر فعالی کرده و عملاً ضرورت اتحاد عمل و همکاری نیروهای انقلابی و کمو - نیست را نادیده گرفتند که این برخورد رفقا مورد انتقاد ما قرار گرفت.

## جشن پایان تحصیلی در دبیرستان "توحید"

اسلام شهر

روز شنبه ۹ خرداد ما هم مراسم بودیم. آخرین روز امتحانات و در واقع آخرین روز سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹. بدین مناسبت از طرف رفقای هوادار دبیرستان توحید مراسمی در مدرسه برگزار شد.

ستا ره سرخی که نشان می آید در این وچکش و شعار کارگران جهان متحد شوید "بر آن نقش بسته بود بر بالای مقالات میدرخشید. سه روزنامه دیواری هر کدام به اسم یکی از شهیدان روز ۲۱ فروردین - روز تجدید عهد با شهدای مقاومت دانشگاه، رفقا آذر مهر علیان - مژگان رضوانیان، ایرج ترابی تهیه شده بود. مقالات عبارت بودند از جمع بندی مبارزات یکساله در دبیرستان توحید و نقش نیروهای مختلف سیاسی - مروری برجیش دانش آموزی در سالی که گذشت. زندگینامه رفقای دانش آموز شهید آذر مژگان - مقالاتی در رابطه با باز بودن مدارس در تابستان و لزوم انحلال انجمن اسلامی و آموزش تربیتی و نقش آنان در دبیرستان توحید. پس از نصب مقالات سرود شهیدان از مجموعه سرودهای سازمان پیکار... خوا - نه شد. بچه های مدرسه از مقالات استقبال کرده و در آن جمع گشته بودند. اکثریتی - های خائن نیز آمده بودند و با توجه به استقبال بچه ها جرأت هیچ حرکتی را نداشتند. دوستان مجاهد هم مشغول خواندن مقالات بودند که در رابطه با اشاره ای که به تزلزل مجاهدین و گریختن آنان بطرف لیبرالها و ناسیونالیست و عملکرد آن در رابطه با مبارزات یکساله مدرسه در مقاله جمع بندی مبارزات یکساله صورت گرفت بحث درگیر شد که در حین بحث مستخدم مدرسه که اکثریتی منبأ شده مقالات حمله آورد در این زمان بود که دوستان مجاهد بلافاصله خود را کنار کشیدند و هواداران ما زمان دست به مقاومت زدند که به علت عدم آمادگی لازم و عدم افشای فعالیت و در نتیجه کم بودن نیروی مقاومت کنندگان زنجیر محافط مقالات با ره شد فقط بچه ها توانستند ستاره سرخ را از دسترس دور کنند که دوباره آنرا با نوشته ای تحت عنوان "توس ارتجاع از سرخی خون شهیدان ما" و یک مقاله دیگری به دیوار نصب کردند. آنچه در این بین مورد توجه همه دانش آموزان قرار گرفت همان عدم حمایت مجاهدین در مقابل حمله فالانژها از رفقا بود که بعینهدرک غلط آنها را از آزادیهای دمکراتیک و مفهوم اتحاد نیروهای انقلابی میرساند. بهر حال مراسم آموزش با بحث حول برنامه و در محکوم کردن حمله فالانژها و افشای برخورد غلط مجاهدین به اتمام رسید





# شکوه جشن پایان تحصیلی و ناکامی فالانژها ساری

صبح سه شنبه ۶۰/۲/۲۲ آخرین روز بازبودن مدرسه ساعت شروع به نصب پلاکاردهایی که شعارهای سازمان پروری آنها نوشته شده بود و مقاله جمعیتی مبارزات سال تحصیلی و عکس شهدای اول اردیبهشت همراه با شعر شهیدان شکوه نمودیم. دانش آموزان که اکثراً در حال مطالعه دروس امتحانات بودند توجهشان جلب شد. فالانژهای انجمن اسلامی بانگاههای نفرت آور، درحالی که حرص و ولع و هراس از آگاهی از اجتماعاتشان می یارید سعی در دور کردن بچه ها از اطراف ما میکردند. که بی اثر بود بعد از گذشت چند دقیقه ای شروع به فروش ۱۲ آبان و پیکار نمودیم و در همین حال "سرود شهیدان" را پخش می کردیم. تیتراهای افشاگران پیکار و ۱۲ آبان بچه ها را بدور ما جمع کرد. در این موقع سرود کله فالانژهای پسر مدرسه را هنمایی که در سالن دبیرستان امتحان نهایی داشتند پیدا شد و شروع به تهدید کردند و از طرفی دیگر مستخدمین و ناظمها آمدند. آنها با مسالمت از ما میخواهند بکارمان خاتمه بدهیم اما ما هیچمان بکار خود ادامه دادیم، اما کارمان با یورش این فالانژها مواجه شد که با دفاع متقابل به عقب رانده شدند یکبار دیگر این حمله را تکرار کردند و بعد در جلوی در مدرسه و دیوار صف کشیده و با کمال زبونی شروع به هو کردن نمودند در همین موقع اعلامیه های سازمان و اعلامیه جمعیتی مبارزات سال تحصیلی ۶۰ - ۵۹ دبیرستان بین دانش آموزان پخش شد که با استقبال مواجه شدند ما پیکار و برنا ما

تا اتمام جلسات امتحان وغالی شدن حیاط از دانش آموزان ادا شد و پس از آن پلاکاردها را جمع آوری کرده و آماده رفتن شدیم. فالانژها دیوانه وار بدنبال کیفی که حامل دوربین (سندزنده حملات آنها) بود، میگشتند. تحت این شرایط بوده که ما نتوانستیم سرود و مقاله تهیه شده این روز را بخوانیم ولی در مجموع حرکاتمان برای اینروز مثبت بود و در حد توان، دانش آموزان را در جریان برنا ما و علت برگزاری برنا ما در اینروز گذاشتیم.

## جشن پایان تحصیلی - افشاگری کمونیستها و دزدی فالانژها محمودآباد -

### مدرسه راهنمایی ۱۷ شهریور

در روز چهارشنبه هواداران سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در مدرسه راهنمایی هفده شهریور بمناصبت پایان سال تحصیلی مراسمی برگزار کردند که با حمله وحشیانه نیروهای ضد انقلاب و فالانژها مواجه شد. در این مراسم مقالاتی تحت عنوان فراخوان - بیابان رفقای زندانی - بیاد رفقای کمونیست و جمعیتی از مبارزات یکساله در مدرسه و یک شعرا انقلابی خوانده شد. در اواسط برگزاری مراسم از آنجایی که نوار سرود های سازمان هم پخش میشد فالانژها طاقت نیاورده و حمله را شروع کردند. اما رفقا بکمک دوستان مجاهد و دیگر دانش آموزان مدرسه حدود یک ونیم ساعت مقاومت کردند. در همین حین دست رفیقی زخمی شد و بیهوش گردید. البته در این بین فالانژها هم کتک مصلی خوردند و حتی یکی از آنها به گریه افتاد. در جریان درگیری فالانژها با دزدیدن ضبط صوت و تحویل دادن آن به سپاه پاسداران یکبار دیگر ما هیت ارتجاعی خود را هر چه بیشتر به نمایش گذاشتند. آنها مهاجری آخوند بقیه در صفحه ۱۹

## رژه پاسداران سرمایه و افشاگری پیکهای انقلاب

روز شنبه ۱۶ خرداد سپاه پاسداران با بیل در این شهر برای مانور به انجام مراسم رژه پرداخت. با آنکه در این مراسم از همه شهرها و روستاهای اطراف نیرو بسیج کرده بودند اما برخورد مردم بسیار خوب بود و مشت محکمی برپوزه مرتجعین زد. بسیاری از مردم از خانه ها بیرون آمده و با خشم و نفرت به صف رژه نگاه میکردند. در جریان برنا ما رژه سپاه رفقای هوادار به افشاگری پرداختند. از جمله آنکه یکی از رفقا با مدای بلند در میان مردم به صحبت پرداخت و توغالی بودن شعارهای به اصطلاح ضد بقیه در صفحه ۱۴

بقیه از صفحه ۱۷ شماره نویسی... نیز شامل ۲ جزء است: ۱ - سرلوله که تنظیم کننده شکل خارج شدن رنگ است و یک طرف آن رنگ را بشکل جمع و همانند شیر آب معمولی خارج میکند و اگر این قسمت را بطرف دیگر بچرخانیم پخش تر و مانند اسپری از آن خارج میشود در هنگام درشت نوشتن باید این قسمت را تا باغیر بچرخانند تا رنگ خوب پخش شود. ۲ - جزء بعد خود لوله خارج کننده است و مسئله قابل توضیح در این قسمت محکم و تابه آخر بچرخاندن آن به قسمتهای دیگر میباشد و هنگام کار نباید این لوله را با باز کردن نیز رنگ از آن خارج شده و لباس را رنگی میکند بعد از کار همیشه باید این قسمت را با دست تمیز کرد تا رنگ در آن خشک نشده و بار دیگر مورد استفاده قرار گیرد. ۳ - قسمت درب ظرف پمپ که شامل قسمتهای (۴ و ۵) نیز میشود. راجع به قسمتهای مهم آن که شامل (۴ و ۵) است توضیح داده شده تنها قسمتی که احتیاج به توضیح دارد دسته فشاری پمپ است که از طریق فشار دادن آن رنگ از سرلوله به بیرون انتقال پیدا میکند. این قسمت را بعد از کار اولاً باید شست و بعد بعضی از نقاط آنرا باید روغن زرد تا براحتمی بتوان آنرا فشار داد. لازم به تذکر است که پمپ E7A طرف بیشتر مقداری از انواع دیگر بیشتر است.

## زنده باد کمونیسم!

### پایگاه توده‌ای!! حزب جمهوری اسلامی

دوشنبه ۲۵/۳/۶۸ - عزم ما تنبکه به تحریک ارتجاع  
 قرار بود کلیه هواداران حزب جمهوری اسلامی  
 در ساعت ۹ الی اکبر میگویند در خانه‌ها -  
 مان که در حوالی جمشید آباد است بودم که  
 فریادهای الله اکبر بلند شد، با تعجب از  
 خانه بیرون آمدم بصورتی که تا یکصد متر  
 پا دگان جمشید آباد با شد ولی وقتی به  
 پا دگان رسیدیم ، متوجه حقه کشید رژیم  
 شدیم . صدای الله اکبر از بلندگوی متعددی  
 که سرتاسر پا دگان رومهندسی ارتش نصب  
 شده بود میآید درنگها اول کسی متوجه نمی-  
 شد ولی بعد از مدتی همه سرها سمت آسمان  
 بلند شد و بلندگوها را درین درختان قابلم  
 شده بود خود را نشان دادند ، لیکن ده‌های  
 تمشیر بر چهره مردم نشسته بود کودکان هم  
 فعالانه با شعارهای بلندگو همراهی می-  
 کردند در این بین صدای الله اکبر تعدادی  
 انگشت شمار از دزون پا دگان جمشید آباد  
 بلند شد و مدبوجا نه تلاش میکردند صدای  
 خود را ساکت و تعدادشان را زیاد نکنند زهی  
 خیال باطل در این هنگام مردمیکه آن  
 اطراف جمع شده بودند همگی میخندیدند  
 ناگهان فریادهای مرگ بر آمریکا ، مرگ  
 بر آمریکا در سرتاسر پا دگان طنین افکند  
 و مهندسی ارتش هم در همان نزدیکی با این  
 صدا همراهی کرد و دیگر صدای این چند نفر  
 در بین این فریادها کم شده بود که چند سیر  
 هوائی شلیک شد صداها کم کم فروکش کرد  
 و با زهم سره‌های جنون آسای مرگ بر  
 منافقین مرگ بر صدام نیز یکبار فردر پا دگان  
 بلند و بدنبال آن لیکن تمشیر و چهره‌های  
 شی که پراز سکوت و سؤال بود که بدرقه آن  
 سره‌ها شد .

#### بقیه از صفحه ۱۶ کاور تشکیلاتی

میتوان نام برد که علیرغم پذیرش  
 مارکسیسم - لنینیسم در سازمان مجاهدین  
 خلق در دورانی که مذهبی بودند به فعالیت  
 پرداخت .  
 نظریاتی " وحدت طلبانه " (۱) که منجر  
 به تشکیل " وحدت انقلابی " گردید نیز در  
 نهایت امر نظریاتی از همان دست میباشد .  
 زیرا که طبق این نقطه نظر مسئله اصلی  
 وحدت است از خط سیاسی - ایدئولوژیک  
 در درجه بعدا اهمیت قرار دارد .

### مراسم باشکوه بر مزار رفیق "ایرج ترابی"

شیراز

انقلابی اثر با صدای قاطع و رسا و با شور  
 بی پایان کمونیستی در حالیکه همچون  
 هزاران مادر کمونیست با تلاوت کلمه  
 ایستاده بود سخن گفت سخنان مادر محمود  
 شورخامی در جمعیت بوجود آورد او ایستاد  
 با گرامی مبادشت یاد محمود و همه شهیدان  
 انقلابی و کمونیست خلق از مبارزات  
 دلاورانه و قهرمانانه محمود یاد کرد و شرایط  
 سخت زندگی خود و فرزندان مبارز را برای  
 جمعیت بازگوشود و از خاطرات محمود و مبارزات  
 رزایش در رژیم شاه سخن گفت و رشادات  
 فرزندش را در مقابل جوخه اعدا رژیم  
 جمهوری اسلامی مشتاقانه گریه کرده و شعارهای  
 رسائی را که محمود در آخرین لحظات زندگی  
 کوتاه و پربارش تکرار کرده بود برای  
 جمعیت حاضر تصویر کرد و بیس خطاب به  
 پدر و مادر رفیق ایرج چنین گفت : " من  
 خود را غدیده ام و در دشمن را خوب احساس  
 میکنم . اما ما نباید بر سر قبر فرزندانمان  
 جمع شده و گریه سردهیم . ما باید از راه سرخ  
 فرزندانمان را که همانا مبارزه بر علیه  
 رژیم جمهوری اسلامی و وفاداری به  
 آرمان طبقه کارگر و حمتکشان است ادامه  
 دهیم .  
 برنا ما سخنان مادر قهرمان و بیس  
 شعارهای " درود بر تو مادر مبارز " و " مادر  
 فرزندان خلق " مادر ماست " به پایان رسید .

روز پنجشنبه ۲۷/۳/۶۸ بمنا سبت چهلمین  
 روز شهادت رفیق " ایرج ترابی " مراسم با  
 شکوهی بر سر مزار رفیق برگزار گردید در  
 این مراسم که رأس ساعت ۵ شروع شد بسیاری  
 از رفقا و همچنین خانواده رفیق " ایرج " حضور  
 داشتند .  
 دسته‌گلهای تقدیمی سازمان پیکار  
 در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات شیراز  
 و سازمان دانشجویان و دانشآموزان  
 پیکار - شیراز و جنگردگان هواداران بر مزار  
 رفیق می‌درخشید . مراسم در ساعت ۵:۳۰  
 سخنرانی خواهد قهرمان ایرج شروع شد  
 او خطاب به پا دگان و اقوام دیگرش که بر سر  
 قبر گریه میکردند گفت : " ما اینجا برای  
 گریه کردن جمع نشده‌ایم . ایرج بخاطر  
 آرمانش شهادت رسید و وظیفه ما ادامه  
 راه او است . بلافاصله پس از سخنان خواهر  
 قهرمان ایرج جمعیت با صدای رسا به  
 تکرار شعارهای " درود بر تو خواهر مبارز  
 و " زنده و جاوید بادا شهیدان خلق " پرداختند  
 جمعیت با شور خاصی در حالیکه  
 صدای بی‌تینشان همه جا را گرفته بود فر-  
 یاد میزدند : " ایرج - آذر - مژگان شهید  
 دانشگاه راهت ادا ما را در " و بدین وسیله  
 با شهیدان دلاورشان تجدید عهد میکردند ،  
 در ادامه برنا مه سرود " شهیدان " خوانده  
 شد . و جمعیت با مشتاقانه گریه کرده شعائر  
 داد : " شهیدان - شهیدان مرگ  
 جلدتان "

صدای رسای جمعیت حاضر بسیاری از  
 توده‌ها بی‌ای که اطراف پراکنده بودند بطرف  
 مراسم جلب کرد و آنها نیز بگرد مزار " ایرج " جمع  
 شدند . در طول مراسم علامیه‌هایی  
 بمنا سبت شهادت سر رفیق بخش شد و مورد  
 استقبال شدید قرار گرفت همچنین پلاکار  
 دی که به سرتاسر سرخ بر آن نقش بسته و  
 می‌درخشید و بمنا سبت شهادت به شهید  
 دانشگاه ایرج و آذر و مژگان نهی شده بود  
 بوسه زاری نصب گردید . و در همان حال جمعیت  
 در حالیکه اشک در چشمان و شوری پایان  
 در دل داشت فریاد زد : " پیکار گرشهیم  
 قسم بخون سرخ زاهت ادا ما را در " و  
 سپس مادر قهرمان جاودانه یا در رفیق  
 شهید " محمود صدی " با سخنان پر شور و

#### بقیه از صفحه ۱۲ رژیم

امپریالیستی سپاه را که تکرار میشد برای  
 مردم افشا کرده و ماهیت قراردادها  
 امپریالیستی رژیم را افشا می نمود . هم  
 چنین در مورد شعاری که در دفاع از کارگر  
 ان میدادند برای مردم افشا میکرد که  
 رژیم چگونه به سرکوب کارگران و از جمله  
 کارگران ایران ناسیونال پرداخته ...  
 و یا چگونه تیروهای انقلابی و کمونیست  
 را کشتار و اعدا کرده است .  
 همچنین در پایان این مراسم رفقای  
 هوادار با صدای بلند به شعار دادن علیه  
 رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پرداختند  
 که اینکار مدت زیادی طول نکشید و مقید  
 بود .

# ضرورت کار تشکیلاتی



یکی از ضعفهای مهم جنبش کمونیستی ما، ضعف در امر تشکیلات است. از سویی هنوز جنبش کمونیستی نتوانسته است در هر موقعیت بهترین طرف تشکیلاتی برای مبارزه طبقات گوناگون، بویژه طبقه کارگر را در برابر داورانهای ایجاد آنرا بطور مشخص مورد سؤال قرار دهد. از سوی دیگر هنوز بسیاری تشکلات ما، نیز خسود از شکل تشکیلاتی مارکسیستی برخوردار نیستند.

از آنجا که در اصل شکل هر تشکیلاتی را پیش از هر چیز مضمون فعالیت آن تشکیلات میسازد، طبیعی است که غلبه مضمون مبارزه مسلحانه جدا از توده نمیتوانست در تشکلات این سازمانها و جریانهای اشری برجا نگذارد. سازمانهای کمونیستی در دوران غلبه مضمون غیر پرولتری چریکی که نه برای پیشبرد خط مضمون پرولتری و کار آگاهانه در بین تودهها و بویژه طبقه کارگر بلکه برای ترور سردمداران رژیم حاکم تشکیل شده بودند نمیتوانست از تشکیلاتی پرولتری چه در زمینه مناسبات درون تشکیلاتی و چه در زمینه ساختن تشکیلات برخوردار باشد.

از همین روید که آنچه از سازمان در عرصه تشکیلات در جنبش نوین کمونیستی ایران وجود داشت، اشکالی غیر پرولتری از سازماندهی بوده است.

اما با تغییر خط مضمون حاکم بر جنبش کمونیستی و زیر ضربه قرار گرفتن آن مضمون و دستیابی به خط مضمون صحیح پرولتری کار در میان تودهها، طبیعتاً این مضمون جدید فعالیت با شکل سازماندهی گذشته در تضاد قرار میگرفت. از همین روست که اولاً امروزه انحرافات پیشماری در توده

سازماندهی در سازمانهای درون جنبش کمونیستی میتوانیم ببینیم و همچنین تا حدودی تلاش جریانهای مختلف کمونیستی برای ترجمه اصول تشکیلاتی احزاب کمونیست بچشم میخورد. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر نیز در ندادن و همین حرکت علاوه بر کوشش در جهت دستیابی به اصول تشکیلاتی احزاب کمونیست، توانست در بحثهای دومین کنگره سازمانی خود به رهنمودهایی بر اساس دستاوردهای تحقیقات و فعالیت خویش در این عرصه دست یابد.

از آنجا که با گسترش امواج انقلاب، روز بروز جوانان بیشتری بسوی مارکسیسم - لنینیسم این ایدئولوژی رهایی بخش طبقه کارگر و بویژه خط مضمون پیکار در راه آزادی طبقه کارگر گسرد میآیند که از جمله در عرصه تشکیلات دارای ضعفهای بسیاری هستند و با بسیاری اصول اولیه برپایی هر سازمان کمونیستی و کار تشکیلاتی بشیوه کمونیستی آشنا نیستند. نداشتن وظیفه خود میدانی که بطور صحیح میباشد در این زمینه بپردازیم و در این زمینه دستاوردهای تشکیلاتی خود را در اختیار تمامی رفقای جوانی که فردا باید رهبران جنبش کمونیستی در امر هدایت مبارزات انقلابی تودهها باشند، قرار دهیم!

در مطالعه این سلسله مقالات "آموزش تشکیلاتی" رفقاً باید توجه داشته باشید که آنرا بعنوان یک مطلب مجرد و بیه دور از واقعیات مشخص مورد ارزیابی قرار ندهند. بلکه از همین امروز میتوانند و باید در عرصه کار تشکیلاتی خود آنرا آزمایند و اگر انحرافات در تشکیلات

خود می بینند باید بکوشند تا آنها را به شکل کمونیستی خود در آورند. ما ابتدا به بررسی کوتاهی از تشکیلات کمونیستی میپردازیم و از شماره های بعدنشریه، "اصول مناسبات تشکیلاتی" و "اصول ساختن تشکیلاتی" سازمانها و احزاب کمونیست را مورد بررسی قرار داده و انحرافات اساسی در این زمینه را مورد ارزیابی و نقد قرار میدهم. رفقاً باید بحثهای فعال و خلاقی حول این مطالب در جمعهای خود انجام دهند، بکوشند تا هر چه بیشتر مسئله برایشان شکار شده شود، آنرا در واقعیات مشخص تشکیلاتی خود تجربه کنند و هرگونه سؤال و ابهامی در این زمینه را برای ما بفرستند. ما با در همین صفحه یا در صفحه ویژه ای به سئوالات رفقاً در این زمینه پاسخ می گوئیم!

ما آموزش تشکیلاتی در زمینه های مورد نظر را از شماره آینده آغاز خواهیم کرد ولی مقدمتاً ضروری میدانیم در این شماره مقداری بر روی ضرورت فعالیت تشکیلاتی صحبت کنیم.

- حزب کمونیست در واقع جسم جنبشی و تشکیلاتی ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم میباشد. سازمانهای کمونیستی نیز به همین صورت در اساس خود تجلی و تبار تشکیلاتی و مادی ایدئولوژی و خط مضمون پرولتری هستند.

همه طبقات برای پیشبرد کار خود محتاج به آن هستند تا تشکیلاتی هر چه منسجم تر بر اساس ایدئولوژی مورد قبول و حمایت خود برپا کنند. هر قدر سرما بدها را نمیتوانند

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

خودبه تنهایی از منافع طبقه اش در سراسر جهان دفاع کند. برای اینکار باید تشکیلاتی ایجاد کند تا با حمایت سرمایه داران دیگر در همه جا حضور داشته و منافع آنها را به پیش ببرد.

پرولتاریا نیز هر از زمان که به منافع طبقاتی خود پی میبرد، به تنهایی نمیتواند از منافع طبقه اش در همه جا دفاع کند. برای اینکار محتاج تشکیلات واحد و سراسری می باشد که بتواند همچون بدنی واحد در همه جا بکسان مبارزه راهدایت نماید. بعنوان مثال هزار نفر کارگر کمونیست را در نقاط مختلف ایران در نظر بگیرید که در رابطه تشکیلاتی معینی باید یکدیگر نیستند. هر یک از آنها به تنهایی برای نابودی سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم مبارزه میکند. در این راه هر یک از آنها با خود به تنهایی تجربه اندوزی کند. از دستاوردهای دیگر رفقای خود خبری ندارد. هر فردی باید در مورد تمام مسائل خود به تنهایی فکر کند، چرا که از تفسیم کار نمیتواند خبری باشد و... و خلاصه در برابر رژیم سرمایه داری حاکم توان هیچ مبارزه قابل ملاحظه ای را ندارد. زیرا که جز خودش کس دیگری را در پشت سر ندارد. اگر امروز بهترین موقعیت برای تظاهرات فراهم آمده است، او نمیتواند چنین امری را در دستور کار خود قرار دهد. در رابطه با مسائلی که امروز یا فردا پیش آمده و میآید ممکن است این یا آن فرد کمونیست در این یا آن کارخانه به تبلیغ نظریات مختلفی بپردازد و...

پس تنها یک تشکیلات است که میتواند سیاست واحدی را در کل توده ها و بطور همزمان به پیش ببرد. دارای تقسیم کار است و بر طبق آن تقسیم کارها کار را در یک زمان میتوان به پیش برد.

ارسوی دیگر فرد کمونیستی که در تشکیلات نیست، از تجارب دیگر رفقای خود بی بهره میماند. او با بد اشتباهات دیگران را تکرار کند تا خود در تجربه عملی به انحرافی بودن آنها پی ببرد و سیاست صحیح را دریابد. باید به مطالعه در مورد تمامی علوم و فنون و ایدئولوژی (م - ل) خود به تنهایی بپردازد و... کاری که عملاً غیر ممکن بوده و در نتیجه این فرد دید بسیار محدودی میتواند نسبت

بجهت آنچه در جامعه میگذرد داشته باشد.

تجارب چنین رفقای نیز هرگز جمع بندی نشده و در اختیار دیگر رفقای شان قرار نمیگیرد. تجارب فرد جدا از تشکیلات در وجود خود او متبلور و محفوظ است و طبیعتاً با خود او و نیز از زمین خواهد رفت. گوییم که اگر کمونیستها برای خود تشکیلاتی نداشته باشند، درست مانند افرادی که در جزیره ای نا آشنا افتاده و میخواهند همه چیز را از اول یاد بگیرند و جلو بیایند، بوده و هرگز موفق به پیش برد اهداف خود نخواهند شد.

البته باید توجه داشت که همانقدر که ضرورت فعالیت کمونیستها در تشکیلات وجود دارد، ضرورت وحدت سیاسی - ایدئولوژیک این توده ها هم که وحدت تشکیلاتی دارند، وجود دارد.

فعالیت در یک تشکیلات که از وحدت سیاسی - ایدئولوژیک برخوردار نباشد بدین معنی است که برای ما اصل اینست که عضو یک تشکیلات باشیم و نه آنکه برای پیشبرد سیاست و اهدافی که بهمان معتقدیم در یک تشکیلات جمع می شویم.

وحدت تشکیلاتی قبل از آنکه وحدت سیاسی ایدئولوژیک داشته باشیم یعنی برتری دادن تشکیلات به ایدئولوژی است یا به زبان بهتر سازش با دیدگاههای غیر کمونیستی فقط به این خاطر که دوست داریم در یک تشکیلات باشیم.

بنابراین تکیه یک جانبه بر وحدت و در نظر گرفتن آنکه تشکیلات در واقع هیچ پیش از هر چیز تبلور مادی یک خط مشی سیاسی - ایدئولوژیک میباشد، درکی غیر کمونیستی از تشکیلات میباشد.

این مسئله بویژه در دوران غلبه مشی خرده بورژوازی چریکی برجسته کمونیستی بسیار شایع و رایج بود و در نظر نگرفتن خط سیاسی - ایدئولوژیک شوریه شده بود و اولین شرط وحدت این سازمانها قبول "مشی مبارزه مسلحانه" (جدا از توده) بود. گرایشات لیبرال - آنا رشیستی (جزئی) تا نظریات تروتسکیستی (شما عیا - ن) همه و همه به حول مبارزه مسلحانه جمع شده بودند. آنچه در اینجا مهم بود مبارزه مسلحانه بود و نه پیش برد اهداف معین طبقاتی که هر کمونیستی در راه آن پای میفشرد. یا مثلاً رفیق شهید عباسی را بقیه در صفحه ۱۴

بقیه از صفحه ۶ مقاله...  
و بورژوازی ارزیابی میکند. این دیدگاه بجای توجه به محتوای دمکراتسم موجود در جنبش و شرکت فعال در آن برای تعمیق و بسط این دمکراتسم، خود را از آن کنار کشیده و یکسره آن را بدست بورژوازی (لیبرال یا حزبی) می سپارد. درست مثل اینکه ما در دوران مبارزات قبل از قیام به این دلیل که توده ها از جمله شعبار درودسر بازرگان را میباید که نشان دهند عدم شناخت این اپوزیسیون ارتجاعی بود، از شرکت در آن مبارزات خود را کنار می کشیدیم و منتظر می ماندیم که مردم خود بخود (۱) با تمام انحرفات موجود در مبارزاتشان مبارزه کنند و آنها را از بین ببرند و آن موقع که دیگر جنبش از هرگونه انحرافی بدور میشود ما تازه در آن شرکت میگردیم! آری رفقا با سقیفستها تنها بدینگونه و در اینصورت ممکن است در جنبش شرکت کنند. اکنون نیز آنها محتوای آنچه را که در جامعه میگذرد و کشا کش بین منف انقلاب و ضد انقلاب را تنها بدین دلیل که در آن شعار "درودسر یعنی ضد" هم داده می شود و توده های زیادی در توه نسبت به لیبرالها بصر میبندند که رهبرالی و بورژوازی ارزیابی کرده و فتوای عدم شرکت توده ها در این کشا کش را میدهند. (رجوع کنید به تراکت شماره ۱ و ۲ "رزم انقلابی برای آزادی...") در رابطه با جریانانات اخیر که آنرا دعوی دوفدا انقلاب، لیبرالها و حزب جمهوری مینا مدوخواهان عدم شرکت توده ها در این مبارزه مینمودند، از آنجا که رفقا با درکهای ارتجاعی و ضد انقلابی رویزونیتهای گوناگون آشنایی دارند و حرکت آنها در این رابطه سبب چیزی متفاوت با گذشته نیست ضرورت چندان برای افشای آنها لازم ندیدیم. حزب وابسته توده و فدایی اکثریت اگر چه هنوز بطور رسمی مواضع خود را اعلام نکرده - اند ولی قطناً از این برکناری لیبرالها و تصرف کامل قدرت در دست حزب پشتیبانی نموده، برای خالی نبودن عریضه انتقاداتی در رابطه با تعطیل روزنامه مردم خواهند کرد. به جهاتیهای مرتجع نیز که تکلیفشان از قبل روشن است آنها نیز در غم رئیس جمهور محبوبشان زوزه خواهند کشید و به باندها "شما زطلب روسی" که لیبرالها را بیرون کرده فحش خواهند داد.



# شعارنویسی با پمپ

با آوری است که بعد از یک بار شمارنویسی میتوان تشخیص داد که رنگ غلیظ بوده یا کم رنگ تا در صورت کم رنگی مقداری به ترکیب رنگ آن اضافه کرد

بعد از پایان کار ظرف پمپ باید بسا نفت تمیز شود و ناخالصی های آن بیرون آورده شود همچنین با توجه اینکه رنگ ناخالصی دارد اگر با توری وارد ظرف شود بهتر است ( در ابتدای کار )

۲ - لوله مکنده رنگ - این لوله کسه یک طوری به سر آن وصل است و از جنس پلاستیک است کار آن بالا آوردن رنگ بدون ناخالصی و رساندن رنگ به لوله خارج کننده رنگ است مسئله قابل توضیح در این قسمت ، در مورد توری آن است که هرگز نباید از سر آن خارج شود . زیرا ناخالصی رنگ را وارد لوله خارج کننده میکند در نتیجه در کار پمپ اختلال بوجود میآورد .

در هنگام کار احتمال وجود آرد که در اشرف غلیظی رنگ لوله مکنده از جایش کنده شود که در این صورت براحتی میتوان آنرا سر جایش قرار داد .

۳ - تلمبه - این قسمت شامل چندین قسمت دیگر است که با باز و بسته کردن آن میتوان تمام قسمتهای آنرا فرا گرفت .

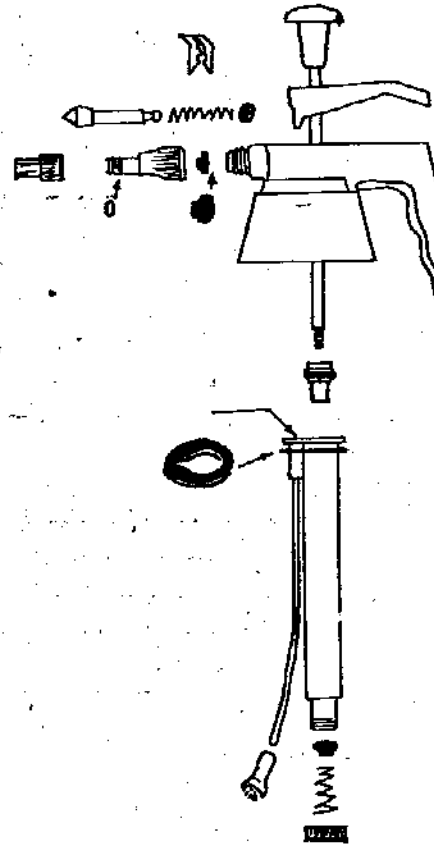
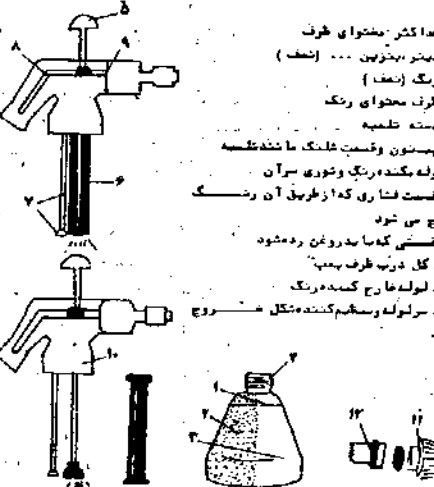
قسمتهای مهم آن شامل دسته ، تلمبه و شلنگ است . در داخل این قسمت چندین واشر قرار گرفته که در بعضی از پمپها بعد از یک الی دو بار کار گذاشته و کار تلمبه را کاملاً متوقف میکنند که در این صورت واشر باید تعویض شود و مقداری تنگتر برایش تهیه گردد ( این قسمت در عکس بوسیله ستاره ( \* ) مشخص شده است ) برای شستو فقط قسمت بیرون این قسمت را باید تمیز کرد و احتیاج به باز کردن تمام آن نیست

تعداد تلمبه زدن پمپ در انواع مختلف آن متفاوت است مثلاً در نوع EVA حداکثر ۳۰ تا ۴۰ بار باید آنرا تلمبه زد و در نوع های دیگر آن بستگی به فضای خالی ظرف پمپ دارد باید توجه داشت که اگر شعار کوچک و نازک و با فشار کم نوشته میشود یا -

باید آنرا تلمبه زد .  
\* این پمپ ، پمپ سمپاش گل نام دارد که میباید از موسسات کثا و روزی یا سم فروشها تهیه گردد .

۴ - لوله خارج کننده رنگ - این قسمت

وارد آوردن فضای خالی وجود ندارد و بلافاصله رنگ بیرون میآید و لبه های رانگی میکند . ( در هنگام کار ) ترکیب رنگ با تیشتر و بیشترین بار همیشه باید نصف به نصف باشد و هنگام ترکیب با باید با مبله و یا چوب آنرا به هم زد لازم به



رفقا ! آنچه در زیر میخوانید حاصل تجارب کار عده ای از رفقا در "شعارنویسی با پمپ" است . از آنجا که انتقال اینگونه تجارب و شیوه های نوین کار و استفاده از وسایل مختلف برای انجام بهتر و سریعتر کار تبلیغی ضروریست ما ضمن تشکر از رفقای کسه تجربه کارشان را برای نشریه ارسال دادیم . شته اند در اینجا اقدام به چاپ آن میکنیم و امیدواریم بتوانند در پیشبرد آن تبلیغ و شعارنویسی به کلیه رفقایاری رسانند ! در ضمن یکبار دیگر از کلیه رفقا و دوستان انقلابی میخواهیم که در ارسال تجاربشان در کار تبلیغی هرچه فعالانه تر بکوشند و بدینوسیله به ارتقاء کیفیت "تبلیغ" این عمده ترین وظیفه کمونیستها در این مقطع از جنبش یاری رسانند . پیروز باشید هیات تحریریه  
۱۳ آبان

قبل از هر چیز از آنجا که کار شمارنو بیسی از طریق پمپ در هر منطقه ای راحت ترین وسیله است و از خیلی خطرات میکاهد از این نظر باید نهایتاً حفظ و نگهداری را از پمپ به عمل آورد (به طور طبیعی یک شعار ۲۵ تا ۳۰ متری در مدت ۵ دقیقه قابل نوشتن است )

پمپ بطور کلی و در انواع مختلف آن شامل چند قسمت عمده است ۱- ظرف محتوای رنگ ۲- لوله مکنده رنگ ۳- قسمت تلمبه و وارد آوردنده فشار هوا با داخل ظرف رنگ ۴- لوله خارج کننده رنگ ۵- درب ظرف پمپ که شامل قسمت (۲ و ۳ و ۴) نیز میشود .  
۱- ظرف محتوای رنگ - ظرفیت ظرف پمپ در انواع مختلف متفاوت است و برای نمونه پمپ معمولی که در حال حاضر مورد استفاده است حداقل یک لیتر ظرفیت دارد باید توجه داشت که هیچگاه نباید ظرف را کاملاً پر کرد و همیشه باید مقداری از سرش خالی باشد زیرا اولاً اگر لیمبریز باشد تلمبه می شود هوا را با داخل پمپ

### کمک مالی

ردیف	نام و نام خانوادگی	مبلغ	ردیف	نام و نام خانوادگی	مبلغ
۱	آر دبیل	۱۲۰۰۰	۱۱	پیمان	۵۸۰۰
۲	الف - ۱۲	۲۰۰۰	۱۲	هسته دانش آموزی	۵۰۰۰
۳	ب - ۱۷	۴۰۰۰	۱۳	سپارز	۱۰۰۰
۴	ج - ۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۴	هسته سرخ	۳۰۰۰
۵	رفقای خلدان	۱۵۰۰۰	۱۵	سیانه	۳۰۰۰
۶	رفقای ۱۵۰۰۰	۱۵۰۰۰	۱۶	د. سیانه	۳۰۰۰
۷	سوزا	۵۰۰۰	۱۷	۲ - تهران	۳۰۰۰
۸	ن - ۵۰۰۰	۵۰۰۰	۱۸	تهران	۳۰۰۰
۹	ن - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۱۹	اکتوبر سرخ	۲۰۰۰
۱۰	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۲۰	داس و جکش	۱۰۰۰
۱۱	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۲۱	داس و جکش	۲۰۰۰
۱۲	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۲۲	رفقای ناحیه	۱۰۰۰
۱۳	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۲۳	ستاره سرخ	۱۰۰۰
۱۴	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۲۴	س - محمد - باغتر	۱۰۰۰
۱۵	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۲۵	هسته اکتوبر سرخ	۱۲۰۰
۱۶	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۲۶	هسته سوسپال لیبریم	۱۰۰۰
۱۷	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۲۷	هسته سوسپال لیبریم	۱۰۰۰
۱۸	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۲۸	امید	۱۰۰۰
۱۹	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۲۹	پ - ا - ش	۱۰۰۰
۲۰	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۳۰	د. د. ش	۱۲۰۰
۲۱	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۳۱	مادر امید	۱۰۰۰
۲۲	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۳۲	م - ح ( مستمری ماهانه	۱۰۰۰
۲۳	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۳۳	محمود شوشتری	۱۰۰۰
۲۴	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۳۴	مومن - ج	۱۰۰۰
۲۵	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۳۵	واحد علوی شوشتری	۱۰۰۰
۲۶	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۳۶	رفیق زندانی	۱۰۰۰
۲۷	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۳۷	د - د	۱۰۰۰
۲۸	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۳۸	ک - ش	۱۰۰۰
۲۹	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۳۹	م - ح	۱۰۰۰
۳۰	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۴۰	۱ - م دانش آموز	۱۰۰۰
۳۱	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۴۱	۲ - خورستان	۱۰۰۰
۳۲	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۴۲	۳ - آغا جباری	۱۰۰۰
۳۳	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۴۳	۱ - ن - ۸	۱۰۰۰
۳۴	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۴۴	۱ - اهور	۱۰۰۰
۳۵	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۴۵	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰
۳۶	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۴۶	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰
۳۷	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۴۷	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰
۳۸	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۴۸	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰
۳۹	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۴۹	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰
۴۰	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰	۵۰	س - ۱۲۰۰	۱۲۰۰

گذاشتن به حيله و فریب رژیم جمهوری اسلامی که با کمک بعضی افراد مزدور و فالانژ خانواده از جمله دانی اوصورت پذیرفته بودیا منتسب کردن او به خود و پنهان نگهداشتن عقاید و افکار او ایما نش به پیروزی طبقه کارگر، توهین به آرمانهای سرخ نمودند.

اما طبقه قهرمان کارگر و جنبش کمونیستی ایران هیچگاه شهادی خود را به فراموشی نخواهند سپرد و در راه پیروزی آرمانهای سرخ با خشم و نفرتی عظیم نسبت به سرمایه و بورژوازی، در راه تادیب آنان و پیروزی سوسیالیسم، بیگانه خود را همچنان به پیش خواهند برد.

گرامی باد یاد سرخ رفیق مژگان رضوانیان!

بقیه از صفحه ۲۵ چهارمین ...

وجلادان توده ها و ایما ن به پیروزی طبقه کارگر ا دست نداد. تنها جملاتی که در روزهای آخرا از زبان او شنیده میشد چنین بود: "بمن آب بدهید موا از دست پاسدارها نجات دهید". آری! او برای ما آئینه شام نمای بک جنگوی بلشویک و یک پیکارگر کمونیست است.

افراد خانواده رفیق که در زندگانی کوتا هس از هیچگونه ظلم و ستم و در درونج بر او دریغ نکرده بودند بعد از شهادت او نیز این شیوه را ادامه داده و با گذردن پیکش توانمندگار را بر پیکر فرتوت سرمایه

یاشار، ازقم

**کشتار**

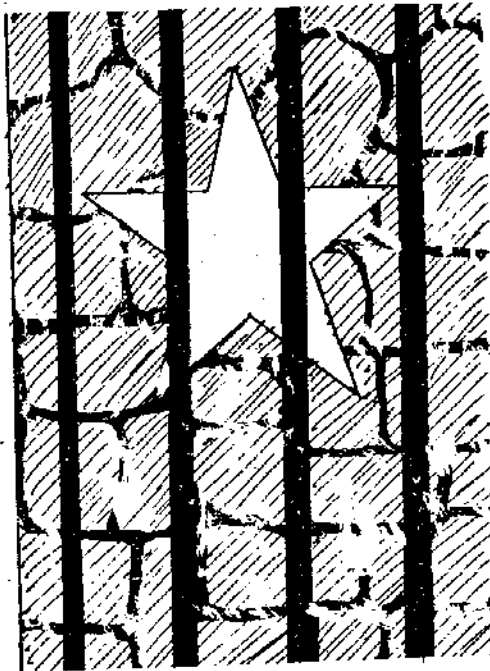
کشتا رکتید ما را  
تلیک کنیدا آخرین شیرها تان را  
در سینه صبح انقلاب  
کشتا رکتید ما را  
تا با خون ما کمونیستها  
پرچم در اهتزاز جمهوری دمکراتیک خلق  
افراشته بر بربازوان پرولتاریا  
سرخ و سرختر شود  
کشتا رکتید  
تا خون ما جاری شود  
در رگهای انقلاب  
و دستا ن قدرتمندگا رگر  
فرود آورد

# تکرار حماسه‌های سرخ زندانیان کمونیست در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی

آنچه در زیر می خوانید بخشهایی از اعلامیه "سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - خوزستان" است که در همین رابطه نوشته و پخش شده است. در ضمن تاریخ اعلامیه ۲/۱۰ می باشد و متاسفانه از چگونگی ادا مبارزات و اعتصاب غذای این زندانیان کمونیست اطلاع دقیقی در دست نداریم!

## به حمایت از اعتصاب غذای زندانیان کمونیست زندان کارون اهواز بپردازیم!

کارگران و زحمتکشان! بیش از دو هفته از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی کمونیست زندان کارون اهواز میگذرد. این اعتصاب غذا که به منظور گرفتن بخشی از حقوق اولیه زندانیان صورت پذیرفته است گوشه ای از مبارزات حق طلبانه و سراسری زندانیان سیاسی میهنمان می باشد... اما آیا ارتجاع حاکم خواهد توانست این مبارزات که بر در باری خشم سرخ و انقلابی توده ها تکیه دارد در هم شکند؟ آیا رژیم جمهوری اسلامی قادر خواهد بود که در اراده استوار پدران و مادران زحمتکش که به



خوبش برخاسته اند کوچکترین تزلزل بوجود آورده؟ هرگز! چرا که واقعیتهای جاری نشان میدهد که رژیم با همه عوام فریبی اش بهیچوجه نتوانسته است مسائلی چون تعداد بیشمار زندانها و زندانیان سیاسی و مبارزات آنها را از توده های آگاه

مخفی نگاه دارد. کارگران، زحمتکشان و نیروهای انقلابی! در حال حاضر اعتصاب غذای زندانیان کمونیست زندان کارون اهواز برای تحقق خواسته های خویش بهمت والای خود آنها، پشتیبانی خانواده های آنها و دیگر زحمتکشان آگاه همچنان ادا می گذارد. با بازگ کردن خیرا اعتصاب غذای زندانیان کمونیست زندان کارون اهواز در میان توده ها و نشان دادن حقانیت مبارزات آنها از این حرکت انقلابی پشتیبانی کنیم. با حمایت از مبارزات خانواده های زندانیان سیاسی انقلابی زندان کارون، آنها را در تحقق خواسته های فرزندان در بندشان یاری رسانیم! بیروزی با مبارزات زندانیان کمونیست زندان کارون اهواز زندانیان سیاسی انقلابی بهمت توده ها آزاد باید گردد! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق! سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - تشکیلات خوزستان ۶۰/۲/۱۰

بقیه از صفحه ۱۱ امپریالیسم...

### توضیحات

- ۱ - زمان کاراجتماعاً لازم عبارتست از مدتی که برای ساختن یک کالا در تحت شرایط اجتماعی متوسط تولید (مثلاً تخصص و مهارت متوسط تولید کننده، شدت کار متوسط، تکنیک فنی متوسط) در رشته تولیدی فوق لازم است.
- ۲ - توجه کنید که مافوق سود در جامعه امپریالیستی در شرایطی متفاوت بوجود می آید و این مافوق سود یکی نیست.



بقیه از صفحه ۱۲ جشن...

مرتجع شهر را به مدرسه آوردند که او چون هیچ چیزی دستگیرش نشده است از پادرازر با محافظش راه را گرفت و رفت. درگیری بین نیروهای انقلابی و فلولانها تا غیا بیان هم کشیده شد و توجه بسیاری از مردم را بخود جلب کرد. حتی سربازان ژاندارمری هم از پادگان بیرون آمده بودند معلمان و دانش آموزان ابتدایی هم از پشت میله ها تا هدجریان بودند. در مجموع با وجودی که تنها جملاً لانژها او را خبرنا مهربانم باشید! مافشاگری مثبت و خوبی بود.

# زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده ها آزاد باید گردد